مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال چهاردهم ، شماره ۲، تابستان ۱٤۰۱، شمارهٔ پیاپی ۲۷

DOI: 10.22067/JLKD.2022.73574.1072

الگوهای بومی‌سازی واجی نام‌های کوچک قرضی تک‌جزئی[۱] در گونه ترکی اسفیدانی[۲]

علی ایزانلو، استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

صص: ۱۲٦–۸۷

چکیده

نام‌های خاص از مواردی است که ترجمه نمی‌شود و از زبانی به زبانی دیگر قرض گرفته می‌شود. زبان‌ها بسته به ویژگی‌های نظام واجی منحصر به فرد خود، تغییراتی در صورت نام‌های قرضی می‌دهند. در این پژوهش تغییرات واجی نام‌های کوچک تک‌جزئی در گونه ترکی رو به انقراض اسفیدانی (یکی از روستاهای شهرستان بجنورد) از منظر همزمانی مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور، ابتدا، از میان نام‌های اهالی روستا، با استناد به فهرستی از نام‌ها و همچنین به صورت میدانی، ۱٤۰ نام کوچک تک‌جزئی گردآوری شده است که با صورت معادل آنها در فارسی متفاوت بودند. سپس یک یک آنها با نام معادل خود در زبان فارسی معیار مقایسه و تفاوت‌های آنها در قالب فرایندهای واجی شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند. پس از آن، انگیزه‌های واجی یا کاربردشناختی این تغییرات مورد بحث قرار گرفته است. فرایندهای واجی حذف واکه، همخوان یا حذف یک زنجیره واجی، نرم‌شدگی، افتادگی و افراشتگی از برجسته‌ترین انواع فرایندها در بومی‌سازی داده‌ها بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد انگیزه‌های گوناگونی در پس این تغییرات قابل شناسایی هستند: برخی از تغییرات در راستای همگونی با نظام واجی این گونه ترکی بوده است و

۱- در این پژوهش نام‌های تک‌جزئی (مانند *علی، اسماعیل، اعظم، معصومه* و جز این)، در مقابل نام‌های دوجزئی (مانند *محمدعلی، قدرت‌الله، فاطمه صغری* و جز این) قرار می‌گیرند. نام‌های تک‌جزئی از یک نام تشکیل شده‌اند و در صورت نوشتاری نیز به صورت یک کل بدون فاصله می‌آیند.

۲- بر خود لازم می‌دانم تا بدین‌وسیله از دوستان، خویشان و نزدیکانی که به هنگام گردآوری، تلفظ و اصلاح نام‌ها مرا یاری کردند صمیمانه تشکر کنم. همچنین، از سرکار خانم دکتر اعظم استاجی بسیار سپاسگزارم که زحمت مطالعه و اصلاح نسخه اولیه این مقاله را قبول کردند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰   تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴

پست الکترونیکی: 1. aliizanloo@um.ac.ir

برخی نیز به دلایل کاربردشناختی (مانند تحقیر، تحبیب، ایجاد صمیمیت و مخاطب‌شناسی) انجام گرفته است. داده‌ها و یافته‌های این پژوهش می‌تواند در شناخت پژوهشگران از یک گونه اقلیت زبانی به طور کلی و فرایند قرض‌گیری نام‌های کوچک به طور خاص سهم داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: فرایند واجی؛ گونه ترکی اسفیدانی؛ نام کوچک تک‌جزئی

مقدمه

قرض‌گیری[1] یکی از رایج‌ترین پدیده‌های زبانی است. هرچه ارتباطات اجتماعی و فرهنگی جوامع بیشتر باشد، قرض‌گیری نیز بیشتر رخ می‌دهد. در حقیقت، قرض‌گیری‌های زبانی بر مبنای قرض‌گیری‌های فرازبانی (مادی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و جز این) استوار است. عموماً، ترجمه نام‌های خاص[2] به دلایل مختلف در زبان‌ها انجام نمی‌گیرد و به همین دلیل، یکی از بسترهای رایج و اجباری قرض‌گیری بین زبانی به شمار می‌رود.

نام‌های خاص، همانند دیگر صورت‌های قرضی، عموماً، نه به صورت اصلی خود، بلکه به همراه تغییراتی وارد زبان می‌شوند؛ تغییراتی که به دلایل مختلف و متناسب با زبان مقصد روی می‌دهد. این تغییرات، معمولاً، در سطح واجی اتفاق می‌افتد، ولی پیامدهای آنها لزوماً محدود به سطح واجی زبان نیستند. مطالعه الگوهای تغییرات واجی که به هنگام قرض‌گیری نام‌های خاص در یک زبان رخ می‌دهد، اطلاعات ارزشمندی از سطوح مختلف نظام زبانی مقصد در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. در واقع، هر تغییر یک مانور زبانی است که به دلایل استراتژیکی زبانی صورت می‌گیرد.

در پژوهش حاضر، با تجزیه و تحلیل نام‌های کوچک تک‌جزئی وام گرفته شده در گونه ترکی اسفیدانی، تغییرات واجی و دلایل واجی و غیرواجی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. گونه ترکی اسفیدانی یکی از انواع گونه‌های ترکی خراسانی است که در روستای اسفیدان شهرستان بجنورد به کار می‌رود. به گفته قلی‌زاده (۱۳۹۰: ٤٧ و ٥٧) امروزه ترکی خراسانی به عنوان یک گونه مستقل از شاخه زبانی اوغوز شناخته می‌شود. زبان ترکی از حیث منشأ جزء

1- borrowing
2- proper names

زبان‌های اورال-آلتایی است و از نظر ساختواژی جزء زبان‌های پیوندی و پسوندی است که با افزودن وندهای گوناگون واژه‌های جدیدی خلق می‌کند (هیئت، ۱۳۸۰: ٦).

پیشینه

به طور کلی، در زبان فارسی سه گونه پژوهش بر روی نام‌ها انجام شده است: یک دسته از پژوهش‌ها از نوع گردآوری نام‌ها در قالب فرهنگ می‌باشد (برای نمونه، حاجی‌زاده، ۱۳۷۹؛ بخشوده، ۱۳۷۹). برخی پژوهش‌ها به تحلیل بسترهای نامگذاری و تبیین برخی عوامل مؤثر در انتخاب نام‌ها پرداخته‌اند (برای نمونه، شاه‌ناصری، ۱۳۹٦؛ زندی و میرمکری، ۱۳۹٦). دسته سوم پژوهش‌ها در حوزه نام نیز از بُعد ساختمان هجا به موضوع پرداخته‌اند (برای نمونه، طیب و علی‌نژاد، ۱۳۸۲؛ منصوری، ۱۳۸۹). هیچ کدام از این پژوهش‌ها، هدف پژوهش حاضر در قالب تحلیل فرایندهای واجی و تبیین آنها در نام‌های کوچک را دنبال نکرده‌اند.

بر روی فرایندهای واجی در زبان‌های مختلف ترکی نیز پژوهش‌های بسیاری انجام شده است (کردزعفرانلو کامبوزیا و رضویان، ۱۳۸٤؛ کردزعفرانلو و رنگین‌کمان، ۱۳۸۸؛ حامدی شیروان و پهلوان‌نژاد، ۱۳۹۲؛ علائی، ۱۳۹۲؛ رضی‌نژاد، ۱۳۹۳؛ منصف و کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۹٤؛ احمدخانی و رشیدیان، ۱۳۹۵). تمامی این پژوهش‌ها نیز تنها به فرایندهای واجی درون‌زبانی توجه کرده‌اند و هیچ‌کدام به موضوع وام‌گیری نام‌های خاص نپرداخته‌اند. علاوه بر این، تأکید تمامی این پژوهش‌ها بر روی وجه واج‌شناختی زبان می‌باشد و توجهی به وجه کاربردشناختی تغییرات ندارند.

آخرین دسته از پژوهش‌های مرتبط با پژوهش حاضر آنهایی است که با هدف بررسی بومی‌سازی‌های[1] وام‌واژه‌ها در زبان‌های گوناگون انجام گرفته است. برای نمونه، یاواش[2] (۱۹۷۸) با بررسی وام‌واژه‌هایی که دارای خوشه همخوانی آغاز و پایان هجا هستند، تلاش می‌کند نشان دهد که همگونی همخوانی و همگونی واکه‌ای در ترکی استانبولی می‌توانند در ارتباط با هم تعریف شوند؛ به این معنا که پس از تحلیل انواع موارد مُجاز و غیرمجاز به این نتیجه می‌رسد که فرایند هماهنگی واکه‌ای در تعامل با دو فرایند دیگر (شرطی‌سازی کناری[3] و

1- adaptations
2- Yavaş
3- lateral conditioning

شرطی‌سازی نرم‌کامی[1]) با ترتیب خاص عمل می‌کند. به اعتقاد وی، ابتدا فرایند هماهنگی واکه‌ای، سپس، فرایند شرطی‌سازی کناری و در نهایت فرایند شرطی‌سازی نرم‌کامی رخ می‌دهد. میائو[2] (۲۰۰۵) به بررسی بومی‌سازی‌های واژه‌های قرضی در زبان چینی ماندرین پرداخته است. وی پس از تحلیل انواع فرایندهای واجی به این نتیجه می‌رسد که از بُعد تولیدی، مشخصه‌های شیوه تولید (خیشومی یا رسا بودن) نسبت به مشخصه‌های دیگر، از جمله واکداری یا جایگاه تولید در گذر از زبان مقصد به زبان چینی ماندرین حفظ می‌شوند. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش این است که عوامل زبان‌شناسی اجتماعی-فرهنگی (مانند نوع وام‌گیری از نظر نوشتاری یا گفتاری بودن وام‌واژه‌ها و مقولات معنایی وام‌واژه‌ها) نیز در کنار عوامل واجی در بومی‌سازی وام‌واژه‌ها نقش ایفا می‌کنند. یاووز[3] و بالچی[4] (۲۰۱۱) نیز به معرفی چند فرایند واجی در ترکی استانبولی می‌پردازند. ابتدا، با ارائه نمونه‌هایی به محدودیت خوشه همخوان آغاز هجا اشاره می‌کنند و در ادامه به ابعاد فرایند بی‌واک‌سازی پایان هجا می‌پردازند. سپس، به انواع همگونی پیشرو و پسرو در جایگاه تولید و واکداری برای همخوان‌ها، و انواع همگونی واکه‌ای در مشخصه‌های پسین و گرد می‌پردازند. نور ابو قبا (۲۰۱٦) برخلاف میائو (۲۰۰۵) تأکید می‌کند که در بومی‌سازی وام‌واژه‌های انگلیسی در زبان عربی عُمانی اهمیت حفظ مشخصه‌های جایگاه تولید بسیار بااهمیت‌تر از مشخصه‌های شیوه تولید است. علاوه بر این، وی نتیجه می‌گیرد که بومی‌سازی‌ها در گونه عُمانی اساسا ماهیت واج‌شناختی دارند. با این حال، تأثیر مشخصه‌های ادراکی (مانند رسایی) و ساختواژی در کنار تأثیر نظام نوشتاری و عوامل زبان‌شناختی-اجتماعی مانند سطح دوزبانگی، نگرش و اعتبار اجتماعی[5] نیز قابل تأمل است. وی در نهایت نتیجه می‌گیرد که بهترین مدل تبیینی بومی‌سازی وام‌واژه‌ها یک مدل آمیخته است که همه ابعاد واجی، آوایی، نوشتاری و عوامل اجتماعی را درنظر بگیرد.

در این میان، یافتن پژوهشی که به فرایندهای واجی نام‌های خاص قرضی پرداخته باشد، بسیار مشکل است و این خود ضرورت این گونه پژوهش‌ها را نشان می‌دهد. ندیم (۱۳۸٤)

1- velar conditioning
2- Miao
3- Yavuz
4- Balçı
5- prestige

یکی از معدود پژوهش‌هایی است که بخشی از آن، از نظر نوع داده‌ها، به پژوهش حاضر نزدیک است. وی به مطالعه نامگذاری غیررسمی در جزیره قشم پرداخته است. منظور نویسنده از نام‌های غیررسمی همان نام‌هایی است که از صورت‌های فارسی معیار و یا شناسنامه‌ای فاصله گرفته‌اند. برای نمونه، صورت «فاطمه» در داده‌های پژوهش وی به صورت‌های فاطی /fati/، فاتیم /fa.tim/، فوتیم /fu.tim/ و فاطومو /fa.to.mu/ ظاهر شده‌اند. پژوهشگر ضمن اشاره به اَشکال تغییر (تخفیف واژه: فاطمه⟵فاطی؛ تغییر ساختمان واژه: فاطمه⟵فوتیم؛ کاربرد لقب: عبدا...⟵عَبدُل گُروَ=گربه) به کارکردهای این نوع نامگذاری می‌پردازد. وی به کارکردهای خُرد اجتماعی مانند ایجاد صمیمیت، ایجاد شادمانی و تحقیر اشاره می‌کند. علاوه بر این، به زمینه‌های اجتماعی مانند سبک زندگی (پوشاک، غذا، موسیقی، آداب و رسوم و جز این) که بستر این نوع نامگذاری است نیز، به عنوان یک کارکرد اجتماعی جمعی اشاره می‌کند. همچنان‌که پژوهشگر تأکید می‌کند هدف اصلی وی «تنها تحلیل محتوایی واژه‌ها» است «و نه حالات دستوری و آوایی واژه‌ها» (ندیم، ۱۳۸٤: ۱۵۱)، و از همین رو، به فرایندها و تبیین‌های واجی مرتبط نپرداخته است. پژوهش مورد نظر اساسا به این پدیده نگاه درون‌زبانی داشته است. این در حالی است که پژوهش حاضر اساسا نگاهی بین‌زبانی دارد و به این پدیده در بستر وام‌گیری‌های زبانی می‌نگرد. ایزانلو (۱۳۹۸) نیز از دیگر پژوهش‌های مرتبطی است که بر روی نام‌های کوچک دوجزئی در گونه ترکی اسفیدانی انجام شده است. پژوهش موردنظر، به تحلیل واجی نام‌های کوچک دوجزئی با تأکید بر کارکردهای ارتباطی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در تغییرات آوایی نام‌های کوچک دوجزئی در گونه مورد پژوهش، فرایندهای نرم‌شدگی، نیمه‌افراشتگی، افتادگی و پیشین‌شدگی بسامد بالایی دارند. همچنین، داده‌ها حاکی از آن است که گونه مورد پژوهش گرایش بسیاری به کوتاه‌سازی واژگانی نام‌های کوچک دوجزئی از طریق فرایند حذف یک آوا و/یا یک یا چند هجا دارد. از منظر کارکرد ارتباطی نیز، داده‌های پژوهش اشاره بر این نکته دارد که صورت‌های تغییریافته نام‌های کوچک دوجزئی با کارکردهای گفتمانی (فرادستی–فرودستی) و ارتباطی (افزایش رسایی در فاصله‌های دور) مرتبط است.

مبانی نظری

تحلیل پیش رو در چارچوب مفاهیم واج‌شناسی زایشی (کنستویچ، ۱۹۹٤) انجام گرفته است. در این رویکرد، با تأکید بر مؤلفه‌های واجی به عنوان عناصر تشکیل دهنده هر واج،

تغییرات واجی رصد و تحلیل می‌شوند. در قالب این رویکرد، فرایندهای واجی گوناگونی در زبان‌های مختلف شناسایی و تحلیل شده است که از آن میان می‌توان به فرایندهای شناخته شده همگون‌سازی،[۱] ناهمگون‌سازی،[۲] نرم‌شدگی،[۳] سخت‌شدگی،[۴] پیشین‌شدگی،[۵] پسین‌شدگی،[۶] پسین‌شدگی،[۶] افراشتگی،[۷] افتادگی،[۸] خیشومی‌شدگی،[۹] ادغام،[۱۰] قلب،[۱۱] حذف[۱۲] و افزایش[۱۳] اشاره کرد (بیل[۱۴] و رایس،[۱۵] ۲۰۱۸). قبل از پرداختن به ادامه بحث، ابتدا، بر پایه مشکوه‌الدینی (۱۳۷۷) نگاهی به نمونه‌های فارسی مفاهیم نظری فوق می‌پردازیم.

(الف) همگون‌سازی یکی از رایج‌ترین فرایندهای واجی است. به گفته مشکوه‌الدینی (۱۳۷۷: ۱۳۰) «شاید هیچ صدایی نباشد که در بافت آوایی تحت تأثیر همگون‌سازی و یا ناهمگون‌سازی قرار نگیرد.». همگون‌سازی بسته به قرابت محل تولید، واک یا شیوه تولید قابل تقسیم‌بندی است. در واژه‌های *گونه*، *کام*، *گینه* و *کم*، همخوان‌های /k/ و /g/ از نظر محل تولید تحت تأثیر واکه‌های ماقبل خود پیش‌کام یا پس‌کام می‌شوند؛ در واژه‌های *بدتر*، *از سر* و *صدتا*، مشخصه بی‌واکی همخوان‌های /t/ و /s/ باعث می‌شود همخوان‌های باواک مجاور بی‌واک شوند؛ تأثیر شیوه تولید را نیز می‌توان در واژه‌های *آن* و *من* مشاهده کرد که در آنها واکه تحت تأثیر همخوان خیشومی قرار می‌گیرد.

(ب) ناهمگون‌سازی عکس فرایند همگون‌سازی است و در آن «صدایی شباهت‌های آوایی خود را با صدای مجاور از دست می‌دهد» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۷: ۱۳۲). در واژه‌های *این‌جور*، *خودجوش* و *بدجایی*، همخوان‌های /d/ و /dʒ/ مشخصه واک خود را از دست داده با همخوان مجاور ناهمگون می‌شوند.

1- assimilation
2- dissimilation
3- lenition
4- fortition
5- fronting
6- backing
7- raising
8- lowering
9- nasalization
10- coalescence
11- metathesis
12- deletion
13- epenthesis
14- Bale, A.
15- Reiss, Ch.

(پ) فرایند حذف واج نیز بسیار رایج است. همخوان‌ها یا واکه‌ها در جایگاه‌های مختلف واجی ممکن است تحت تأثیر این فرایند قرار گیرند. برای نمونه، در واژه‌های شتر (*اشتر*)، *سپید* (*اسپید*) و *سپند* (*اسپند*)، واکه آغازین در برش درزمانی حذف شده است. در واژه‌های *چیدم* (*چیندم*)، *دسبند* (*دستبند*) و *بشینم* (*بنشینم*)، نیز واکه میانی در گفتار سریع و غیرکتابی حذف می‌شود.

(ت) فرایند افزایش عکس فرایند حذف عمل می‌کند و واج یا هجایی را به زنجیره واجی یک واژه اضافه می‌کند. برای نمونه، در واژه‌های *سازگار* و *رستخیز* گاهی یک واکه میانجی افزوده می‌شود و به صورت *سازِگار* و *رستاخیز* تولید می‌شود.

(ث) فرایند قلب از فرایندهای بسیار کم‌بسامد است که در واژه‌هایی مانند *قفل*، *مشق* و یا عکس در گفتار برخی افراد مشاهده می‌شود. در این فرایند دو همخوان مجاور در زنجیره واجی جابه‌جا می‌شوند. بنابراین، واژه‌های فوق به شکل /qolf/، /maqʃ/ و /ʔsk/ تولید می‌شود.

(ج) فرایند نرم‌شدگی از جمله فرایندهایی است که جهت افزایش رسایی در همخوان‌ها رخ می‌دهد. در این فرایند، عبور جریان هوا روان‌تر و گیرش هوا کمتر می‌شود. برای نمونه، در گونه کردی کلهری (زمانی و بدخشان، ۱۳۹۵) واژه‌های *سقف* و *رقص* به صورت /saxf/ و /raxs/ تولید می‌شوند که در آنها همخوان‌های انسدادی به سایشی تبدیل شده‌اند.

(چ) فرایندهای افراشتگی، افتادگی، پسین شدگی و پیشین شدگی همگی در واکه‌ها قابل مشاهده هستند. در این فرایندها جایگاه زبان در اثر تأثیر واکه یا همخوان مجاور یا نزدیک تغییر پیدا می‌کند. برای نمونه، فرایند افراشتگی در زبان فارسی معیار در جایگاه پیش‌خیشومی (جم، ١٣٩٦) یکی از رایج‌ترین انواع فرایندها است که در واژه‌های بسیاری از جمله *نان*، *بام*، *جان*، *خانه* و جز این رخ می‌دهد و آنها را به /nun/، /bum/، /dʒun/، و /xune/ تبدیل می‌کند.

روش‌شناسی

در این بخش به معرفی نظام واجی گونه مورد پژوهش، نوع داده‌ها، شیوه گردآوری و شیوه تحلیل آنها می‌پردازیم.

٤-١. نظام واجی گونه ترکی اسفیدانی

گونه ترکی اسفیدانی دارای ٨ واکه و ٢٣ همخوان است (ایزانلو، ١٤٠٠). جدول (١) واکه‌ها و جدول (٢) همخوان‌های این گونه زبانی را نشان می‌دهد:

جدول ١- واکه‌های گونه ترکی اسفیدانی					
١.	/a/	افتاده، پیشین، غیرگرد	٥.	/ɒ/	افتاده، پسین، گرد
٢.	/e/	نیمه‌افراشته، پیشین، غیرگرد	٦.	/i/	افراشته، پیشین، غیرگرد
٣.	/o/	نیمه‌افراشته، پسین، گرد	٧.	/u/	افراشته، پسین، گرد
٤.	/ø/[1]	نیمه‌افراشته، پیشین، گرد	٨.	/y/	افراشته، پیشین، گرد
جدول ٢- همخوان‌های گونه ترکی اسفیدانی					
١.	/p/	انفجاری، لبی، بی‌واک	١٣.	/ʃ/	سایشی، کامی، بی‌واک
٢.	/b/	انفجاری، لبی، واکدار	١٤.	/χ/	سایشی، ملازی، بی‌واک
٣.	/t/	انفجاری، دندانی-لثوی، بی‌واک	١٥.	/ʁ/	سایشی، ملازی، باواک
٤.	/d/	انفجاری، دندانی-لثوی، واکدار	١٦.	/h/	سایشی، چاکنایی، بی‌واک
٥.	/c/	انفجاری، کامی، بی‌واک	١٧.	/tʃ/	انسایشی، لثوی-کامی، بی‌واک
٦.	/ɟ/	انفجاری، کامی، واکدار	١٨.	/dʒ/	انسایشی، لثوی-کامی، واکدار
٧.	/ɢ/	انفجاری، ملازی، واکدار	١٩.	/m/	خیشومی، دولبی
٨.	/ʔ/	انفجاری، چاکنایی	٢٠.	/n/	خیشومی، دندانی-لثوی
٩.	/f/	سایشی، لبی-دندانی، بی‌واک	٢١.	/l/	ناسوده، کناری، لثوی
١٠.	/v/	سایشی، لبی-دندانی، واکدار	٢٢.	/j/	ناسوده، کامی
١١.	/s/	سایشی، لثوی، بی‌واک	٢٣.	/r/	لرزشی، لثوی
١٢.	/z/	سایشی، لثوی، واکدار			

٤-٢. داده‌ها و شیوه گردآوری آنها

داده‌های این پژوهش متشکل از ١٤٠ نام کوچک تک‌جزئی تغییر یافته اهالی روستای ترک‌زبان اسفیدان است. تعداد نام‌های بررسی شده بسیار بیشتر از این است، اما در اینجا تنها نام‌هایی که در مقایسه با صورت فارسی متفاوت بوده‌اند مدنظر قرار گرفتند و به عنوان داده

١- لازم به ذکر است که این نشانه در الگوهای ارائه شده به معنای حذف یک آوا می‌باشد که در سنت واج‌شناسی نیز رایج است. با توجه به اینکه در الگوها تنها به مشخصه‌ها اشاره شده است، کاربرد این نشانه واحد در دو معنای «حذف» یا یک «آوای نیمه‌افراشته، پیشین و گرد» کاملا متمایز و مشخص است.

گزارش شده‌اند. نام افراد و اطمینان از صحت تلفظ آنها در این گونه ترکی از طریق مشورت با اعضای خانواده یکی از اعضای شورای اسلامی روستا، ۷۳ نفر از اهالی در دسترس با سنین بین ۲۰ تا ۷۰ سال و با جنسیت مختلف و همچنین، بر اساس فهرستی است که در دسترس رئیس شورای اسلامی روستا بوده است. اغلب نام‌ها در حال حاضر نیز به کار می‌روند، ولی برخی از نام‌ها متعلق به یک یا دو نسل قبل‌تر هستند.

۳-٤. شیوه تحلیل داده‌ها

جهت آماده‌سازی داده‌ها، از یک سخنگوی تک زبانه فارسی‌زبان که در منزل و بیرون با آنچه به اصطلاح گونه معیار نامیده می‌شود صحبت می‌کند خواسته شد تا تک تک نام‌ها را تولید کند. صورت‌های آوایی تولید شده با صورت‌های آوایی همان نام‌ها که توسط یکی از سخنگویان مسن این روستا تولید شد مطابقه داده شدند و فرایندهای واجی حاصل ثبت شد. علاوه بر این، برای درک بهتر محدودیت‌های واجی و هجایی در این گونه ترکی، از داده‌های فرهنگ لغت کاربردبنیاد چاپ نشده پنج هزار واژه‌ای همین گونه ترکی (ایزانلو، ١٤٠٠) استفاده شد.

تحلیل داده‌ها

در ادامه به تحلیل فرایندهای واجی موجود در نام‌های کوچک تک‌جزئی در گونه ترکی مورد تحلیل می‌پردازیم. فرایندهای مذکور در دو دسته فرایندهای حذف و فرایندهای تبدیل تقسیم‌بندی شده‌اند. فرایندهای حذف خود به سه دسته فرایندهای حذف همخوان، حذف واکه و حذف زنجیره واجی تقسیم شده‌اند. فرایندهای تبدیل نیز به تبدیل همخوان‌ها و واکه‌ها اختصاص یافته است.

۱-۵. فرایند واجی حذف

در این فرایند، یک یا چند آوا از صورت درونداد حذف می‌شود. داده‌ها نشان می‌دهد که آواهای گوناگون در جایگاه‌های مختلف حذف می‌شوند. در ادامه به الگوهای به دست آمده از داده‌ها به همراه نمونه‌های[1] مرتبط اشاره شده است.

۱- نمونه‌ها هم به صورت الفبای آوانگاری بین‌المللی و هم به شکل فارسی آمده است. در معادل‌های فارسی سعی شده است جهت تمرکز بر تغییرات رخ داده، در حروف چندگانه فارسی (مثل «ث، س، ص» یا «ز، ذ، ض، ظ») از نویسه یکسانی استفاده شود (برای نمونه، اَعظَم←اَظَم). لازم به ذکر است که در گونه مورد تحلیل، همچون فارسی، تمایزی در تلفظ انواع این حروف وجود ندارد.

۱-۱-۵. الگوهای حذف همخوان

۱-۱-۱-۵. حذف همخوان انفجاری، چاکنایی [ʔ]

$$\begin{bmatrix} +\text{انفجاری} \\ +\text{چاکنایی} \end{bmatrix} \rightarrow \emptyset / \left\{ \begin{matrix} [-\text{همخوان}]\ ___\$\ [+\text{همخوان}] \\ [+\text{همخوان}]\ \$___\ [-\text{همخوان}] \end{matrix} \right\}$$ ۱

جدول ۳- نمونه‌های حذف همخوان انفجاری، چاکنایی [ʔ]			
mas.ʔud→ma.sud مَسعود←مَسود	maʔ.su.me→mas.ma مَعصومه←مَصمَ	ʔaʔ.zam→ʔa.zam اَعظَم←اَاَظَم	dʒaʔ.far→dʒa.far جَعفَر←جَفَر

بر اساس الگوی (۱)، در دو حالت همخوان انفجاری و چاکنایی [ʔ] حذف می‌شود: اول زمانی است که در مرز هجا، بعد از واکه و قبل از همخوان قرار می‌گیرد؛ و دیگر، زمانی است که در مرز هجا، بعد از همخوان و قبل از واکه قرار گرفته باشد. با توجه به اینکه در این گونه ترکی واژه‌ای با زنجیره واجی [VʔC] و یا [C.ʔV] وجود ندارد (ایزانلو، ۱٤۰۰)، می‌توان این فرایند نرم‌شدگی (گورویچ، ۲۰۱۱) را به دلیل محدودیت‌های واج‌آرایی دانست. شاید بتوان دلیل عدم وقوع این زنجیره را اصل کم‌کوشی درنظر گرفت؛ چراکه توقف کامل چاکنایی قبل و بعد از رهایی واکه‌ای نیازمند انرژی بسیاری است؛ به خصوص زمانی که لازم است پس از این توقف دوباره برای تولید همخوان اقدام کرد. به تبع حذف همخوان انفجاری و چاکنایی، در برخی از نمونه‌ها، آرایش هجایی واژه‌ها نیز تغییر می‌کند؛ برای نمونه، در مسعود آرایش اولیه [CVC + CVC] به آرایش [CV + CVC] تبدیل می‌شود.

۲-۱-۱-۵. حذف همخوان انفجاری، دولبی، واکدار [b]

$$\begin{bmatrix} +\text{انفجاری} \\ +\text{دولبی} \\ +\text{واک} \end{bmatrix} \rightarrow \emptyset / [-\text{همخوان}]\ ___\#$$

۱- در قواعد صورت‌بندی شده، به جهت محدودیت شدید فضا و اجتناب از تکرار، فرایندهای مرتبط با هر الگو به صورت فشرده در یک قاعده ارائه شده است.

جدول ٤- نمونه‌های حذف همخوان انفجاری، دولبی، واکدار [b]	
ra.dʒab→ra.dʒo رَجَب←رَجُ	tɒ.leb→tɒ.lo طالِب←طالُ

الگوی (۲) نرم‌شدگی همخوان [b] در جایگاه پایان نام را از طریق حذف آن نشان می‌دهد. همچنانکه که مشاهده می‌شود تأثیر حضور همخوان [b] در واکه ماقبل آن به صورت همگونی در مشخصه دولبی نمایان است.

۳-۱-۱-۵. حذف همخوان سایشی، لبی‌دندانی، بی‌واک [f]

$$\begin{bmatrix}+\text{سایشی}\\+\text{لبی‌دندانی}\\-\text{واک}\end{bmatrix} \rightarrow \emptyset / \left\{ \begin{matrix} \begin{bmatrix}+\text{افتاده}\\-\text{پسین}\end{bmatrix} ___ \begin{bmatrix}+\text{سایشی}\\+\text{کامی}\\-\text{واک}\end{bmatrix} \\ \\ \begin{bmatrix}+\text{سایشی}\\+\text{لبی‌دندانی}\\-\text{واک}\end{bmatrix} ___ \begin{bmatrix}+\text{افتاده}\\-\text{پسین}\end{bmatrix} \end{matrix} \right\}$$

جدول ٥- نمونه‌های حذف همخوان سایشی، لبی‌دندانی، بی‌واک [f]	
ba.naf.ʃe→ba.no.ʃa بَنَفشه←بَنُشَ	ʔef.fat→ʔi.fat عِفَّت←عیفَت

بر اساس الگوی (۳) در دو حالت، همخوان سایشی، لبی‌دندانی و بی‌واک [f] حذف می‌شود: اول، زمانی است که همخوان موردنظر در جایگاه انتهای هجای میانی واقع می‌شود. در این جایگاه، نرم‌شدگی همخوان [f] از طریق حذف آن اتفاق می‌افتد. همچنانکه مشاهده می‌شود تأثیر مشخصه لبی همخوان [f] در واکه قبل در نام *بنفشه* کاملا نمایان است. دوم، زمانی است که همخوان موردنظر به صورت خوشه همخوانی و مشدد واقع می‌شود. این فرایند یکی از انواع فرایندهای نرم‌شدگی است که در زبان‌های مختلف مشاهده شده است (گورویچ، ۲۰۱۱). حذف یکی از همخوان‌های مشدد در تغییر کیفیت واکه ماقبل، از مشخصه کوتاه به مشخصه بلند، نیز مؤثر بوده است.

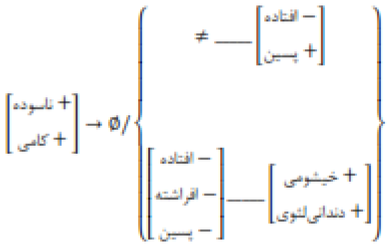
٤-١-١-٥. حذف همخوان سایشی، چاکنایی، بی‌واک [h]

$$\begin{bmatrix} \text{+ سایشی} \\ \text{+ چاکنایی} \end{bmatrix} \rightarrow \emptyset / \begin{Bmatrix} [\text{− همخوان}]___\$[\text{+ همخوان}] \\ [\text{− همخوان}]___\$[\text{− همخوان}] \\ [\text{+ همخوان}]\$___[\text{− همخوان}] \end{Bmatrix}$$

جدول ٦- نمونه‌های حذف همخوان سایشی، چاکنایی، بی‌واک [h]			
mo.ham.mad→mam.mad مُحَمَّد←مَمَّد	tɒ.he.re→tɒj.ra طاهِره←طایرَ	far.hɒd→fa.rɒd فَرهاد←فَراد	ʔes.hɒɢ→ʔi.sɒʁ اِسحاق←ایساغ
zoh.re→zo.ra زُهره←زُرَ	mah.mud→ma.mud مَحمود←مَمود	moh.ta.ram→mu.ta.ram مُحتَرَم←موتَرَم	mo.had.de.se→mad.de.sa مُحَدِّثه←مَدِّثَ
beh.nɒm→be.nɒm بِهنام←بِنام	beh.zɒd→be.zɒd بِهزاد←بِزاد	beh.nɒz→be.nɒz بِهناز←بِناز	moh.sen→mo.sen مُحسِن←مُسِن
ʔeh.sɒn→ʔe.sɒn اِحسان←اِسان	ʔah.mad→ʔa.maj اَحمَد←اَمَی	zah.rɒ→zari زَهرا←زَری	zah.rɒ→za.rɒ زَهرا←زَرا
rah.mɒn→ra.mɒn رَحمان←رَمان	beh.ruz→be.ruz بِهروز←بِروز	bah.rɒm→ba.rɒm بَهرام←بَرام	soh.rɒb→so.rɒb سُهراب←سُراب
		ʃah.rɒm→ʃa.rɒm شَهرام←شَرام	ʃah.nɒz→ʃa.nɒz شَهناز←شَناز

بر اساس الگوی (٤) در سه حالت همخوان سایشی، چاکنایی و بی‌واک [h] حذف می‌شود: اول، زمانی است که در مرز هجا، قبل از واکه و بعد از همخوان قرار می‌گیرد؛ دوم، زمانی است که همخوان موردنظر در مرز هجا، در جایگاه بین‌واکه‌ای قرار می‌گیرد؛ و در نهایت، زمانی است که در مرز هجا، بعد از واکه و قبل از همخوان قرار می‌گیرد. به طور قطع می‌توان گفت که این هر سه مورد به دلیل محدودیت واجی کاربرد زنجیره‌های [Vh.C], [C.hV] و [V.hV] در این گونه ترکی است؛ چراکه هیچ واژه ترکی در این گونه با زنجیره‌های فوق به کار نمی‌رود.

۵-۱-۱-۵. حذف همخوان ناسوده کامی [j]

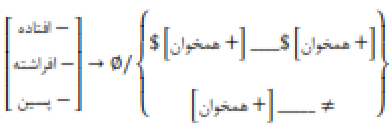


جدول ۷- نمونه‌های حذف همخوان ناسوده کامی [j]	
ho.sejn→hy.sen حُسِین←حؤسِن[1]	ju.sof→ʔy.sef یوسُف←ؤسِف

بر اساس الگوی (۵) همخوان ناسوده کامی [j] هم در جایگاه ابتدای واژه حذف می‌شود و هم در جایگاه بعد از واکه و قبل از همخوان خیشومی در هجای پایانی. همچنانکه مشاهده می‌شود در *یوسف* با فرایند آشنایی روبرو هستیم که در زبان‌های ترکی بسیار پربسامد است و در نتیجه آن واکه پسین [u] در جایگاه‌های مختلف از جمله بعد از همخوان ناسوده و کامی به جفت پیشین خود تبدیل می‌شود (الهاشمی، ۲۰۱۶). در نتیجه، همخوان ناسوده و کامی، پس از انتقال مشخصه پیشینی خود به واکه بعد، حذف می‌گردد. همین فرایند در *حسین* مشاهده می‌شود که نه در هجای واحد، بلکه در هجای مجاور رخ داده است. به این معنا که واکه هجای اول با واکه هجای دوم از نظر پیشین بودن همگون شده و در نتیجه، واکه پسین گرد [o] به واکه پیشین گرد [y] تبدیل شده است، در نهایت، شاهد نرم‌شدگی همخوان [j] از طریق حذف کامل آن هستیم.

۲-۱-۵. الگوهای حذف واکه

۱-۲-۱-۵. حذف واکه نیمه‌افراشته، پیشین، غیرگرد [e]

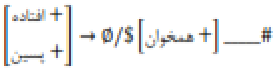


۱- در این پژوهش از نویسه «ؤ» برای نمایش صدای [y] استفاده شده است.

جدول ۸- نمونه‌های حذف واکه نیمه‌افراشته، پیشین، غیرگرد [e]			
rej.hɒ.ne→rej.hɒn ریحانه←ریحان	χa.di.dʒe→χa.didʒ خَدیجه←خَدیج	taj.je.be→tej.jeb طَیِّبه←طِیِّب	rɒ.he.le→rɒ.hil راحِله←راحیل
mah.bu.be→ma.bub مَحبوبه←مَبوب	ɢa.di.le→ɢa.dil قَدیله←قَدیل	sed.di.ɢe→sa.deʁ صِدّیقه←صَدِغ	maʔ.su.me→ma.sum مَعصومه←مَصوم
fɒ.te.me→fɒt.ma فاطِمه←فاطمَ	dʒa.mi.le→dʒa.mil جَمیله←جَمیل	man.su.re→man.sur مَنصوره←منصور	mo.ni.re→mu.nir مُنیره←مونیر
			ʔɒ.me.ne→ʔɒm.na آمِنه←آمنَ

در تمامی نمونه‌های الگوی (٦) شاهد کاهش تعداد هجا از طریق حذف واکه میانی و یا پایانی [e] و چینش جدید هجایی هستیم. در *راحله*، *طاهره*، *خدیجه*، *قدیله*، *محبوبه*، و *منیره* با حذف واکه انتهایی، ساخت سه هجایی [CV.CV.CV] به دو هجای [CV.CVC] کاهش یافته است. در *ریحانه* و *طیبه* ساخت سه هجایی [CVC.CV.CV] به دو هجای [CVC.CVC] تقلیل یافته است. در *صدیقه* و *معصومه* ساخت سه هجایی [CVC.CV.CV] به دو هجای [CV.CVC] تبدیل شده است. در *فاطمه* و *آمنه* نیز ساخت سه هجایی [CV.CV.CV] به دو هجای [CVC.CV] تبدیل شده است.

۲-۲-۱-۵. حذف واکه افتاده، پسین، غیرگرد [ɒ]



جدول ۹- نمونه‌های حذف واکه افتاده، پسین، غیرگرد [ɒ]	
sa.fu.rɒ→sa.fur صَفورا←صَفور	mor.te.zɒ→mur.tez مُرتِضی←مورتِض

در الگوی (۷) شاهد کاهش هجا از طریق حذف واکه پایانی و چینش هجایی جدید هستیم. در *مرتضی* ساخت سه هجایی [CVC.CV.CV] در فارسی به ساخت دو هجایی [CVC.CVC] تقلیل یافته است. در *صَفورا* نیز با حذف واکه آخر، ساخت سه هجایی [CV.CV.CV] به دو هجای [CV.CVC] کاسته شده است.

۳-۲-۱-۵. حذف واکه افراشته، پیشین، غیرگرد [i]

$$\begin{bmatrix} -\text{افتاده} \\ -\text{پسین} \\ -\text{گرد} \end{bmatrix} \rightarrow \emptyset/\$\begin{bmatrix}+\text{همخوان}\end{bmatrix}___\$\begin{bmatrix}+\text{همخوان}\end{bmatrix}$$

جدول ۱۰- نمونه‌های حذف واکه افراشته، پیشین، غیرگرد [i]			
ʃa.ri.fe→ʃer.fa شَریفه←شِرفَ	sa.li.me→sal.ma سَلیمه←سَلمَ	sa.ci.ne→sac.na سَکینه←سَکنَ	ha.ci.me→hac.ma حَکیمه←حَکمَ

در الگوی (۸) شاهد کاهش هجا از طریق حذف واکه میانی [i] در نام‌های سه‌هجایی هستیم. در همه نمونه‌ها ساخت سه هجایی [CV.CV.CV] به دو هجای [CVC.CV] تقلیل یافته است.

۴-۲-۱-۵. حذف واکه افراشته، پسین، گرد [u]

$$\begin{bmatrix} -\text{افتاده} \\ +\text{پسین} \end{bmatrix} \rightarrow \emptyset/\begin{bmatrix}+\text{انفجاری} \\ +\text{چاکنایی}\end{bmatrix}\$\begin{bmatrix}+\text{همخوان}\end{bmatrix}___\$\begin{bmatrix}+\text{همخوان}\end{bmatrix}$$

جدول ۱۱- نمونه‌های حذف واکه افراشته، پسین، گرد [u]
maʔ.su.me→mas.ma معصومه←مَصمَ

در الگوی (۹) واکه پسین واقع در هجای ماقبل آخر حذف شده است. این الگو پدیده‌ای رایج در زبان‌های ترکی است که به گفته محمودی (۱۳۸۴) در اثر همنشینی با واکه تکیه‌دار در هجای آخر اتفاق می‌افتد. در اثر حذف واکه میانی و چینش هجایی جدید شاهد کاهش هجایی نیز هستیم. در *معصومه* ساخت سه هجایی [CVC.CV.CV] به دو هجای [CVC.CV] تبدیل شده است.

۳-۱-۵. الگوهای حذف زنجیره واجی

در برخی نام‌ها بیش از یک آوا به یکباره حذف می‌گردد. در این موارد، معمولاً زنجیره حذف شده یک هجا را تشکیل می‌دهد. به طور کلی، نام‌های این دسته با تغییر ساخت هجایی همراه هستند. حذف یک یا چند هجا[1] پدیده شناخته شده‌ای در زبان‌های مختلف است که معمولا در گفتار پیوسته رخ می‌دهد (وارنر، ۲۰۱۱). فرایندهای پیش‌رو انواع زنجیره‌های واجی حذف شده در داده‌های پژوهش حاضر را نمایش می‌دهند:

1- syllable reduction

جدول ۱۲- نمونه‌های حذف زنجیره واجی

(10). fe→Ø/V[e]___#: ʔɒ.te.fe→ʔɒ.ti عاطِفه←عاطی	(11). ɢe→Ø/V[i]___#: ha.di.ɢe→ha.di حَدیقه←حَدی sed.di.ɢe→sa.di صِدّیقه←صَدی
(12). ne→Ø/V[i]___#: ma.di.ne→ma.di مَدینه←مَدی	(13). re→Ø/V[i]___#: mo.ni.re→mu.ni مُنیره←مونی
(14). jɒ→Ø/V[i]___#: pu.ri.jɒ→pu.ri پوریا←پوری	(15). jɒ→Ø/C[j]___#: so.raj.jɒ→su.ri ثُریّا←ثوری
(16). he→Ø/V[i]___#: ma.li.he→ma.li مَلیحه←مَلی e.lɒ.he→i.lɒ اِلهه←ایلا	(17). je→Ø/C[j]___#: ro.ɢaj.je→ru.ʁej رُقیّه←روغِی
(18). je→Ø/V[i]___#: ʔɒ.si.je→ʔɒ.si آسیه←آسی ʔen.si.je→ʔin.si اِنسیه←اینسی rɒ.zi.je→rɒ.zi راضیه←راضی	(19). ram→Ø/V___#: moh.ta.ram→mu.ti مُحتَرَم←موتی
(20). am→Ø/C[r]___#: moh.ta.ram→mu.tar مُحتَرَم←موتَر	(21). aj→Ø/C[ɢ]___C[j]: ro.ɢaj.je→ruʁ.ja رُقیّه←روغِی
(22). ij→Ø/C[f]___C[j]: sa.fij.je→saf.ja صَفیّه←صَفیَ	(23). ʔi→Ø/V[ɒ]___C[l]: ʔes.mɒ.ʔil→ʔis.mɒl اِسماعیل←ایسمال
(24). hi→Ø/V[ɒ]___C[m]: ʔeb.rɒ.him→ʔiv.rɒm اِبراهیم←ایورام	(25). di→Ø/V[a]___C[dʒ]: χa.di.dʒe→χa.dʒa خَدیجه←خَجَ
(26). hɒ→Ø/V[a]___C[n]: dʒa.hɒn. ɟir→dʒɒn. ɟir جَهانگیر←جانگیر	(27). ʃte→Ø/V[e]___#: fe.reʃ.te→fe.ri فِرشته←فِری
(28). ndar→Ø/V[a]___#: ʔes.can.dar→ʔis. ɟo اِسکَندَر←ایسگُ	

همانطور که مشاهده می‌شود در الگوهای (۱۰) تا (۱۹) هجای پایانی نام حذف شده است. در الگوی (۲۰) زنجیره [VC] هجای پایانی حذف شده است. در الگوی (۲۱) و (۲۲) زنجیره [VC] هجای میانی حذف شده است. در الگوهای (۲۳) و (۲٤) زنجیره [CV] هجای پایانی حذف شده است. در الگوهای (۲۵) و (۲٦) نیز زنجیره [CV] از هجای میانی حذف شده است. تنها نمونه‌هایی که حذف صورت گرفته شامل عناصری از دو هجای مجاور بوده است نام‌های *فرشته* و *اسکندر* می‌باشد که در هر دو مورد همخوان آخر هجای میانی به همراه هجای پایانی به یکباره حذف شده است. در تمامی نمونه‌های فوق تعداد هجا در گونه ترکی مورد پژوهش برابر با N-1 است که N تعداد هجای نام در صورت فارسی آن می‌باشد.

۱-۳-۱-۵. الگوهای حذف هجاهای غیرآغازی

یکی از انواع حذف زنجیره واجی زمانی است که هجاهای غیرآغازی حذف می‌شود و به جای آن یک آوا یا زنجیره ثابت قرار می‌گیرد. در برخی نام‌ها پس از حذف هجاهای غیرآغازی واکه [o][1] به انتهای نام اضافه می‌شود. برای نمونه، یکی از صورت‌های کاربرد *سکینه* [sa.co]، *فاطمه* [fɒ.to] و ربابه [re.bo] یا [ro.bo] می‌باشد. به همین ترتیب، *زیبنده* به صورت [zi.bo]، *سوسن* [so.so]، *آزاد* [ʔɒz.zo]، بنفشه [ba.no]، *موسی* [mu.so]، *صفیه* [sa.fo]، *ایمان* [i.mo]، *ولی* [va.lo]، *مجتبی* [muʃ.to]، اصغر [ʔaz.ɟo]، اسماعیل [ʔis.mo]، اسکندر [ʔis.ɟo]، *سلاطین* [sa.lo]، *مصطفی* [mus.to]، *جعفر* [dʒa.fo]، *محمد* [ma.mo]، رضا [ra.zo]، برات [ba.ro] یا [bɒ.ro]، و *شجاع* به صورت [se.dʒo] به کار می‌رود. نقطه مشترک همه این نمونه‌ها این است که زنجیره ابتدایی [CVC] در همه آنها حفظ شده، بقیه نام حذف می‌شود، سپس، واکه [o] بدان اضافه می‌شود.

در بسیاری از نام‌ها پس از حفظ زنجیره [CVC] آغازی و حذف مابقی عناصر واجی، برای دو هجایی کردن جزء باقی مانده، از زنجیره [ej] استفاده می‌شود. برای نمونه، یکی از صورت‌های کاربرد نام‌های مریم، *فاطمه*، *سکینه*، *خدیجه*، ستاره، صغری، درنا *و معصومه* به ترتیب به شکل [ma.rej]، [fɒ.tej]، [sa.cej]، [χa.dʒej]، [se.tej]، [su.ʁej]، [du.rej] و [ma.sej] می‌باشد.

۱- لازم به ذکر است که زنجیره [ov] به عنوان گونه آزاد به جای واکه [o] می‌تواند به کار رود. با توجه به اینکه همخوان [v] در این گونه ترکی اندکی دولبی است، این زنجیره قرابت بسیاری با زنجیره [ow] در زبان فارسی (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۷، ص. ۷۹) دارد.

۲-۵. فرایند واجی تبدیل

آنچه تحت عنوان فرایند واجی تبدیل در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، تمام تغییراتی است که در مقوله حذف دسته‌بندی و تحلیل نمی‌شوند. این دسته شامل تغییراتی است که همخوان‌ها و واکه‌های مختلف به دلایل گوناگون از جمله همگونی، پیشین‌شدگی، پسین‌شدگی، نرم‌شدگی و جز این به نمایش می‌گذارند.

۱-۲-۵. الگوهای تبدیل همخوان

۱-۱-۲-۵. تبدیل همخوان انفجاری، چاکنایی [ʔ]

$$\begin{bmatrix} +\text{انفجاری} \\ +\text{چاکنایی} \end{bmatrix} \rightarrow \begin{bmatrix} +\text{ناسوده} \\ +\text{کامی} \end{bmatrix} / \begin{bmatrix} +\text{افتاده} \\ +\text{پسین} \end{bmatrix} \$___ \begin{bmatrix} -\text{افتاده} \\ -\text{پسین} \\ -\text{گرد} \end{bmatrix}$$

جدول ۱۳- نمونه‌های تبدیل همخوان انفجاری، چاکنایی [ʔ]
ʔes.mɒ.ʔil→ʔis.mɒ.jel اِسماعیل←ایسمایِل

الگوی (۲۹) نرم‌شدگی همخوان انفجاری و چاکنایی [ʔ] را از طریق تبدیل به ناسوده [j] نشان می‌دهد. این تبدیل به دلیل محدودیت وقوع همخوان انفجاری و چاکنایی در جایگاه بین واکه‌ای [VʔV] اتفاق افتاده است.

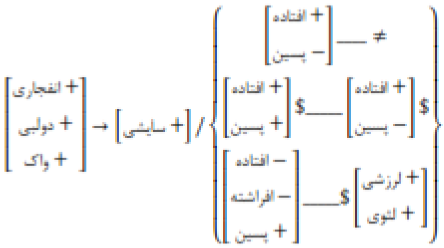
۲-۱-۲-۵. تبدیل همخوان انفجاری، ملازی، واکدار [G]

$$\begin{bmatrix} +\text{انفجاری} \\ +\text{ملازی} \end{bmatrix} \rightarrow \begin{bmatrix} +\text{سایشی} \end{bmatrix} / \begin{Bmatrix} \neq ___ \begin{bmatrix} -\text{همخوان} \end{bmatrix} \\ \begin{bmatrix} -\text{همخوان} \end{bmatrix} ___ \begin{bmatrix} -\text{همخوان} \end{bmatrix} \end{Bmatrix}$$

جدول ١٤- نمونه‌های تبدیل همخوان انفجاری، ملازی، واکدار [ɢ]			
bɒ.ɢer→bɒ.ʁer باقِر←باغِر	sed.di.ɢe→sa.de.ʁa صِدّیقه←صَدِغَ	ro.ɢaj.je→ru.ʁej رُقَیّه←روغِی	ʔas.ɢar[1]→ʔaz.ʁar اصغَر←اَزغَر
		ʔes.hɒɢ→ʔi.saʁ اِسحاق←ایساغ	sɒ.deɢ→sɒ.deʁ صادِق←صادِغ

الگوی (۳۰) نرم‌شدگی همخوان انفجاری، ملازی و واکدار را در اثر قرارگیری در جایگاه بین واکه‌ای [VɢV] نشان می‌دهد. این فرایند یکی از پربسامدترین انوع نرم‌شدگی در زبان‌های دنیا می‌باشد (گورویچ، ۲۰۱۱). الگوی مذکور، همچنین، نرم‌شدگی همخوان انفجاری، ملازی و واکدار را در جایگاه انتهای هجای آخر به نمایش می‌گذارد.

۳-۱-۲-۵. تبدیل همخوان انفجاری، دولبی، واکدار [b]

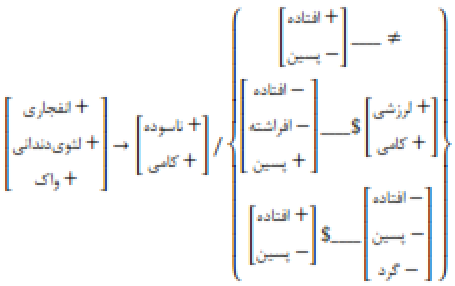


جدول ١٥- نمونه‌های تبدیل همخوان انفجاری، دولبی، واکدار [b]				
zej.nab→zej.nav زینَب←زینَو	ra.dʒab→ra.dʒav رَجَب←رَجَو	co.cab→cu.cav کوکَب←کوکاو	ɟo.lɒ.ba.tun→ɟu.lɒ.vɒ.ten گُلابَتون←گولاواتِن	cob.rɒ→civ.rɒ کُبری←کیورا

در الگوی (۳۱) شاهد نرم‌شدگی همخوان [b] در جایگاه‌های مختلف، از طریق تغییر مشخصه انفجاری آن به سایشی هستیم. این پدیده در دیگر گونه‌های ترکی نیز مشاهده شده است.

٤-۱-۲-۵. تبدیل همخوان انفجاری، لثوی-دندانی، واکدار [d]

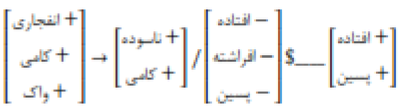
۱- داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در فارسی واج /ʁ/ به صورت کاربرد آزاد در برخی از جایگاه‌های آوایی به جای واج /ɢ/ می‌تواند به کار رود. پژوهشگران (برای نمونه، ثمره، ۱۳۸۵؛ مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۷)، زبان فارسی را فاقد واج /ʁ/ می‌دانند. این بدان معناست که این آوا نه نقش واجی و تمایزدهنده و نه نقش واجگونه‌ای و تکمیل کننده در زبان فارسی دارد و تنها به عنوان واجی آزاد در کنار جفت انفجاری خود به کار می‌رود. در تحلیل پژوهش حاضر گونه تلفظ انفجاری گزینش شده است تا فرایند نرم‌شدگی بین‌واکه‌ای به صورت برجسته نشان داده شود.



جدول ١٦- نمونه‌های تبدیل همخوان انفجاری، لثوی-دندانی، واکدار [d]			
ʔah.mad→ʔa.maj اَحمَد←اَمَی	mo.ham.mad→mam.maj مُحَمَّد←مَمَّی	ɢod.rat→ɢoj.rat قُدرَت←قُیرَت	χa.di.dʒe→χaj.dʒa خَدیجه←خَیجَ

در الگوی (۳۲) نرم‌شدگی همخوان [d] در اثر همگونی پیشرو یا پسرو با واکه‌های ماقبل و مابعد خود را شاهد هستیم.

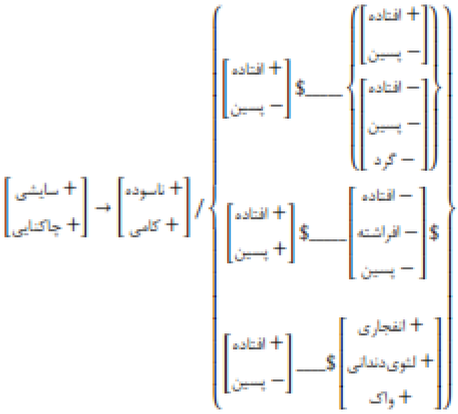
٥-١-٢-٥. تبدیل همخوان انفجاری، کامی، واکدار [ɟ]



جدول ١٧- نمونه تبدیل همخوان انفجاری، کامی، واکدار [ɟ]
ne.ɟɒr→ni.jɒr نِگار←نیار

الگوی (۳۳) فرایند نرم‌شدگی همخوان انفجاری [ɟ] را در اثر قرارگیری در جایگاه بین واکه‌ای [VCV] نشان می‌دهد.

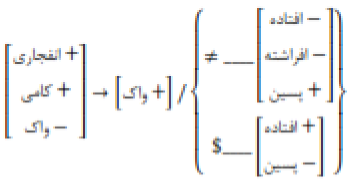
٦-١-٢-٥. تبدیل همخوان سایشی، چاکنایی، بی‌واک [h]



جدول ۱۸- نمونه‌های تبدیل همخوان سایشی، چاکنایی، بی‌واک [h]			
tɒ.he.re→tɒ.jir طاهِره←طاییر	mah.di→mej.di مَهدی←میدی	ra.him→ra.jem رَحیم←رَیِم	sa.har→sa.jer سَحَر←سَیِر

برخلاف تمام نمونه‌هایی که تا بدین جا داشته‌ایم، الگوی (۳٤) فرایند سخت‌شدگی همخوان سایشی، چاکنایی و بی‌واک [h] در اثر همگونی پیشرو (یا پسرو) همخوان با واکه‌های ماقبل یا مابعد خود را نشان می‌دهند.

۷-۱-۲-۵. تبدیل همخوان انفجاری، کامی، بی‌واک [c]



جدول ۱۹- نمونه‌های تبدیل همخوان انفجاری، کامی، بی‌واک [c]	
ʔes.can.dar→ʔis. ɟo اِسکَندَر←ایسگ‌ُ	col.sum→ɟül.sem کُلثوم←کؤلثِم

در الگوی (۳۵) فرایند نرم‌شدگی در اثر همگونی پسرو همخوان [c] با واکه بلافصل [o] در همان هجا در نام *کلثوم* و در اثر همگونی پسرو با واکه [a] در نام *اسکندر* اتفاق افتاده است. همچنانکه سلطان‌زاده (۲۰۱۳) اشاره می‌کند، در گونه ترکی قبرسی نیز فرایند واکدار کردن همخوان‌های بی‌واک در ابتدای واژه بسیار رایج است. جالب است که در گونه مورد پژوهش حاضر بسیاری از واژه‌ها همانند گونه قبرسی و برخلاف ترکی استانبولی با همخوان

واکـدار شـروع مـی‌شـوند: « gız – kız ‘girl’; gan – kan ‘blood’; barmak – parmak ‘finger’;… duz – tuz ‘salt» (سلطان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲).

۸-۱-۲-۵. تبدیل همخوان انفجاری، دولبی، بی‌واک [p]

[+انفجاری، +دولبی، −واک] → [+سایشی، +لب‌دندانی] / [−افتاده، −افراشته، −پسین] $___ [−افتاده، −پسین، −گرد] $

جدول ۲۰- نمونه تبدیل همخوان انفجاری، دولبی، بی‌واک [p]
se.pi.de→se.fi.da سِپیده←سِفیدَ

الگوی (۳۶) نرم‌شدگی همخوان انفجاری، دولبی و بی‌واک [p] را از طریـق سایشـی شـدن نشان می‌دهد که در جایگاه بین واکه‌ای رخ می‌دهد.

۹-۱-۲-۵. تبدیل همخوان سایشی، لثوی، بی‌واک [s]

[+سایشی، +لثوی، -واک] → [+واک] / [+افتاده، -پسین] ___$ [+سایشی، +ملازی، +واک]

جدول ۲۱- نمونه تبدیل همخوان سایشی، لثوی، بی‌واک [s]
ʔas.ɢar→ʔaz.ʁar اَصغَر←اَزغَر

در الگوی (۳۷) نیز فرایند نرم‌شدگی در اثر همگونی پیشرو رخ داده است.

۱۰-۱-۲-۵. تبدیل همخوان سایشی، کامی، بی‌واک [ʃ]

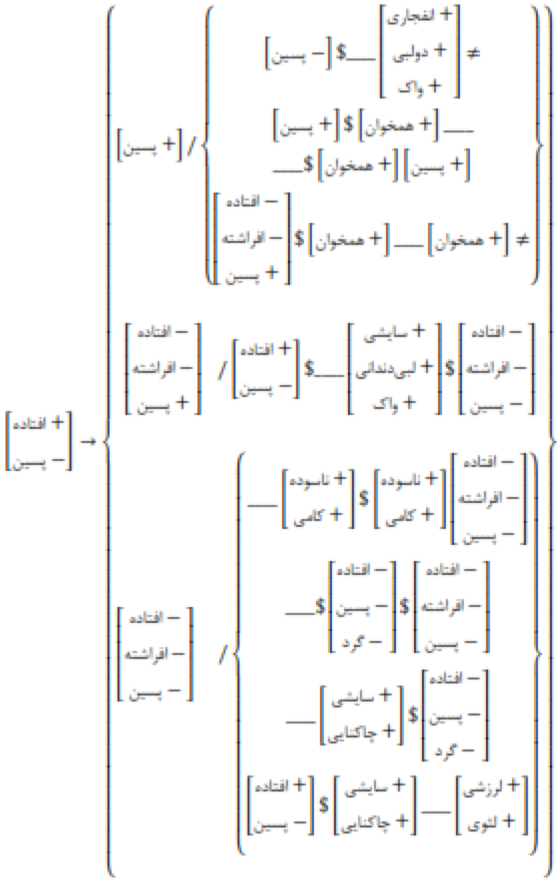
[+سایشی، +کامی، −واک] → [+لثوی] /#___ [−افتاده، −افراشته، +پسین] $

جدول ۲۲- نمونه تبدیل همخوان سایشی، کامی، بی‌واک [ʃ]
ʃo.dʒɒ→se.dʒo شُجاع←سِجُ

الگوی (۳۸) یکی از انواع کمیاب ناهمگونی همخوانی است که در آن آوای [ʃ] لثوی شـده است.

۲-۲-۵. الگوهای تبدیل واکه

۱-۲-۲-۵. تبدیل واکه افتاده، پیشین، غیرگرد [a]

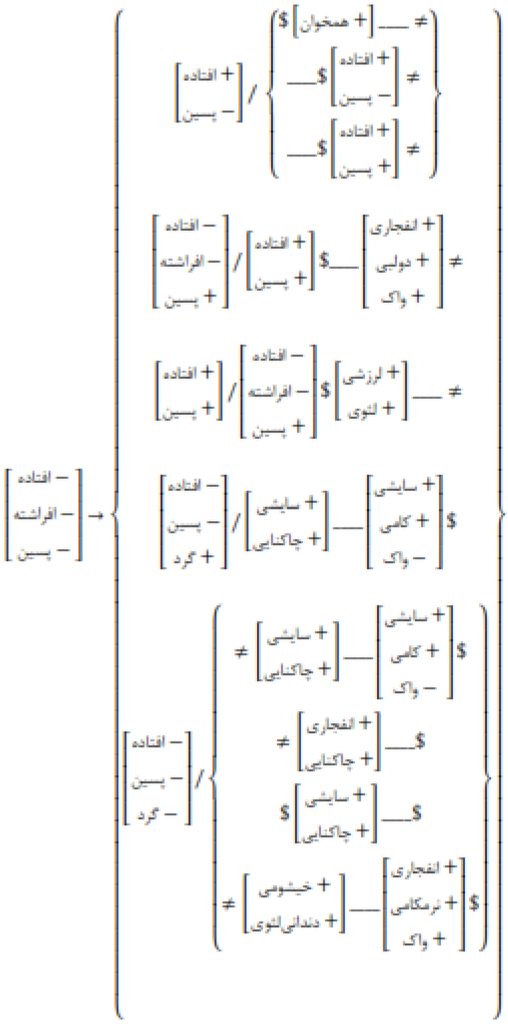


جدول ۲۳- نمونه‌های تبدیل واکه افتاده، پیشین، غیرگرد [a]			
ba.rɒt→bɒ.rɒt بَرات←بارات	sa.mɒ.ne→sɒ.mɒ.na سَمانه←سامانَ	ɟo.lɒ.ba.tun→ɟu.lɒ.vɒ.ten گُلابَتون←گولاواتِن	zej.nab→zej.nɒv زِینَب←زِیناو
ba.naf.ʃe→ba.no.ʃa	co.cab→cu.cɒv کوکَب←کوکاو	ro.ʃan→ro.ʃɒn روشَن←رُشان	dʒa.hɒn.ɟir→dʒɒn.ɟir

بَنَفشه←بَنُشَ			جَهانگیر←جانگیر
so.maj.je→su.mej.ja سُمَیّه←سومِیً	ʔaj.jub→ʔej.jeb اَیّوب←اِیِّب	mo.saj.jeb→mu.sej.jeb مُصَیِّب←موصِیِّب	ro.ɢaj.je→ru.ʁej رُقَیّه←روغِی
sa.har→sa.jer سَحَر←سَیِر	mah.di→mej.di مَهدی←مِیدی	ʃa.ri.fe→ʃer.fa شَریفه←شِرفَ	taj.je.be→tej.jeb طَیِّبه←طِیِّب

الگوی (۳۹) فرایندهای همگونی، ناهمگونی و نیمه‌افراشتگی واکه [a] را در جایگاه‌های مختلف نمایش می‌دهد. نام‌های *سمانه*، *برات* و *گلابتون* فرایندهای همگونی واکه مذکور با مشخصه پسین واکه واقع در هجای ماقبل یا مابعد خود را نمایش می‌دهند. نام‌های سحر، *مهدی*، *شریفه*، *طیبه*، *سمیه*، *ایوب*، *مصیب* و *رقیه* همگی نمایشگر فرایند نیمه‌افراشتگی واکه [a] در اثر همگونی با واکه‌های نیمه‌افراشته در هجاهای مجاور هستند. همانطور که الهاشمی (۲۰۱٦: ۲٦۸) اشاره می‌کند در ترکی استانبولی نیز گرایش به تبدیل آوای [a] به [e] در وام‌واژه‌های عربی وجود دارد: /dars//ders/: در این میان، در نام *زینب* شاهد ناهمگونی واکه [a] با واکه ماقبل خود در مشخصه پیشین بودن هستیم که باعث شده است واکه مذکور به واکه [ɒ] تبدیل شود.

۲-۲-۲-۵. تبدیل واکه نیمه‌افراشته، پیشین، غیرگرد [e]



جدول ۲۴- نمونه‌های تبدیل واکه نیمه‌افراشته، پیشین، غیرگرد [e]

ʔe.lɒ.he→ʔi.lɒ.ha اِلهه←ایلاهَ	fa.hi.me→fa.hi.ma فَهیمه←فَهیمَ	ɢon.tʃe→ɢun.tʃa غُنچه←غونچَ	fi.ru.ze→fi.ru.za فیروزه←فیروزَ
far.zɒ.ne→ far.zɒ.na فَرزانه←فَرزانَ	lɒ.le→lɒ.la لاله←لالَ	par.vɒ.ne→par.vɒ.na پَروانه←پَروانَ	ʔen.si.je→ʔin.si.ja اِنسیه←اینسییَ
mo.had.de.se→mad.de.sa مُحَدّثه←مَدِّثَ	fɒ.te.me→fɒt.ma فاطِمه←فاطمَ	fa.ri.de→fa.ri.da فَریده←فَریدَ	se.tɒ.re→se.tɒ.ra سِتاره←سِتارَ
ma.di.ne→ma.di.na	ɢa.di.le→ɢa.di.la	ʔɒ.me.ne→ʔɒm.na	fe.reʃ.te→fe.reʃ.ta

مَدینه←مَدینَ	قَدیله←قَدیلَ	آمِنه←آمِنَ	فِرشته←فِرشتَ
ma.li.he→ma.li.ha مَلیحه←مَلیحَ	sa.li.me→sal.ma سَلیمه←سَلمَ	mo.ni.re→mo.ni.ra مُنیره←مُنیرَ	tɒ.he.re→tɒj.ra طاهِره←طایرَ
sa.fij.je→saf.ja صَفیّه←صَفیَ	ha.di.ɢe→ha.de.ʁ a حَدیقه←حَدِغَ	maʔ.su.me→ma.su. ma مَعصومه←مَسومَ	sa.mɒ.ne→sɒ.m ɒ.na سَمانه←سامانَ
man.su.re→man.su.r a مَنصوره←مَنصورَ	mah.bu.be→ma.b u.ba مَحبوبه←مَبوبَ	ʔɒ.si.je→ʔɒ.si.ja آسیه←آسیَ	rej.hɒ.ne→rej.hɒ .na ریحانه←ریحانَ
ro.ɢaj.je→ru.ʁij.ja رُقیّه←روغیَ	rɒ.he.le→rɒ.hi.la راحِله←راحیلَ	rɒ.zi.je→rɒ.zi.ja راضیه←راضیَ	ro.bɒ.be→ro.bɒ. ba رُبابه←رُبابَ
dʒa.mi.le→dʒa.mi.la جَمیله←جَمیلَ	χa.di.dʒe→χa.dʒa خَدیجه←خَجَ	so.maj.je→su.mej.j a سُمَیّه←سومیَ	ʃa.ri.fe→ʃer.fa شَریفه←شِرفَ
tɒ.leb→tɒ.lo طالِب←طالُ	hej.dar→haj.dar حِیدَر←حَیدَر	re.zɒ→ra.zɒ رِضا←رَضا	ʃe.car→ʃa.car شِکَر←شَکَر
tɒ.he.re→tɒ.jir طاهِره←طاییر	ne. ɟɒr→ni.ɟɒr نِگار←نیگار	heʃ.mat→hyʃ.mat حِشمَت←حؤشمَت	noɢ.re→nuʁ.rɒ نُقره←نوغرا
ʔez.zat→ʔiz.zat عِزَّت←عیزَّت	ʔe.bɒd→ʔi.bɒd عِباد←عیباد	heʃ.mat→hiʃ.mat حِشمَت←حیشمَت	rɒ.he.le→rɒ.hil راحِله←راحیل
ʔel.jɒs→ʔil.jas اِلیاس←ایلیاس	ʔel.hɒm→ʔil.hɒ m اِلهام←ایلهام	ʔes.can.dar→ʔis.ca n.dar اِسکَندَر←ایسکَندَر	ʔef.te.χɒr→ʔif.t e.χɒr اِفتِخار←ایفتِخار
	ʔed.ris→ʔid.res اِدریس←ایدرِس	tɒ.he.re→tɒ.jir طاهِره←طاییر	ʔef.fat→ʔi.fat عِفَّت←عیفَت

الگوی (٤٠) فرایندهای افتادگی، پسین‌شدگی و افراشتگی واکه [e] را در جایگاه‌های مختلف نمایش می‌دهد. فرایند بسیار پربسامد افتادگی واکه هجای پایانی در اثر همگونی با واکه‌های قبل خود را در نام‌هایی مانند *پروانه*، *لاله*، *فرزانه*، *ربابه* و جز این شاهد هستیم. نام *طالب* فرایند پسین‌شدگی واکه [e] در اثر همگونی با واکه ماقبل خود را نشان می‌دهد. افراشتگی واکه [e] در هجای آغازی یا پایانی را نیز در نام‌های بسیاری از جمله *طاهره*، *عفت*، *الیاس* و *ادریس* شاهد هستیم.

۳-۲-۲-۵. تبدیل واکه نیمه‌افراشته، پسین، گرد [o]

$$
\begin{bmatrix}\text{− افتاده}\\ \text{− افراشته}\\ \text{+ پسین}\end{bmatrix} \rightarrow
\left\{\begin{array}{c}
\left(\begin{bmatrix}\text{+ افتاده}\\ \text{− پسین}\end{bmatrix} /\neq \begin{bmatrix}\text{+ خیشومی}\\ \text{+ دولبی}\end{bmatrix}__\$ \begin{bmatrix}\text{+ سایشی}\\ \text{+ چاکنایی}\end{bmatrix}\begin{bmatrix}\text{+ افتاده}\\ \text{+ پسین}\end{bmatrix}\right)\\[2ex]
\begin{bmatrix}\text{− پسین}\end{bmatrix} / \left\{\begin{array}{c}
__\$\begin{bmatrix}\text{+ پسین}\end{bmatrix}\\
__\$\begin{bmatrix}\text{− افتاده}\\ \text{− افراشته}\\ \text{− پسین}\end{bmatrix}\begin{bmatrix}\text{+ ناسوده}\\ \text{+ کامی}\end{bmatrix}\\
\begin{bmatrix}\text{+ ناسوده}\\ \text{+ کامی}\end{bmatrix}\begin{bmatrix}\text{− افتاده}\\ \text{+ پسین}\\ \text{+ گرد}\end{bmatrix}\$__
\end{array}\right\}\\[2ex]
\begin{bmatrix}\text{− پسین}\\ \text{+ گرد}\end{bmatrix} /\neq __\$\begin{bmatrix}\text{+ افتاده}\\ \text{+ پسین}\end{bmatrix}\neq\\[2ex]
\begin{bmatrix}\text{− افتاده}\\ \text{− پسین}\\ \text{− گرد}\end{bmatrix} /\neq \begin{bmatrix}\text{+ انفجاری}\\ \text{+ کامی}\\ \text{− واک}\end{bmatrix}__\begin{bmatrix}\text{+ انفجاری}\\ \text{+ دولبی}\\ \text{+ واک}\end{bmatrix}\$\\[2ex]
\begin{bmatrix}\text{− افتاده}\\ \text{− پسین}\\ \text{+ گرد}\end{bmatrix} / \left\{\begin{array}{c}
\begin{bmatrix}\text{+ انفجاری}\\ \text{+ کامی}\\ \text{+ واک}\end{bmatrix}__\begin{bmatrix}\text{+ ناسوده}\\ \text{+ کناری}\\ \text{+ لثوی}\end{bmatrix}\\
\neq\begin{bmatrix}\text{+ انفجاری}\\ \text{+ دندانی‌لثوی}\\ \text{+ واک}\end{bmatrix}__\$\begin{bmatrix}\text{− افتاده}\\ \text{− پسین}\\ \text{− گرد}\end{bmatrix}\\
\neq__\$\begin{bmatrix}\text{− افتاده}\\ \text{− افراشته}\\ \text{− پسین}\end{bmatrix}
\end{array}\right\}\\[2ex]
\begin{bmatrix}\text{− افتاده}\\ \text{+ پسین}\\ \text{+ گرد}\end{bmatrix} /\neq \begin{bmatrix}\text{+ همخوان}\end{bmatrix}__\begin{bmatrix}\text{+ همخوان}\end{bmatrix}\$(\#)
\end{array}\right\}
$$

جدول ۲۵– نمونه‌های تبدیل واکه نیمه‌افراشته، پسین، گرد [o]

ro.bɒ.be→re.bɒ.ba رُبابه←رِباب	bor.zu→ber.zo بُرزو←بِرز	mo.had.de.se→mad.de.sa مُحَدِّثه←مَدِّث	mo.ham.mad→mam.maj مُحَمَّد←مَمّی
ju.sof→ʔy.sef یوسُف←ؤسِف	so.lej.mɒn→se.lej.mɒn سُلِیمان←سِلِیمان	sol.tɒn→sel.tɒn سُلطان←سِلطان	zo.lej.χɒ→ze.lej.χɒ زُلِیخا←زِلِیخا

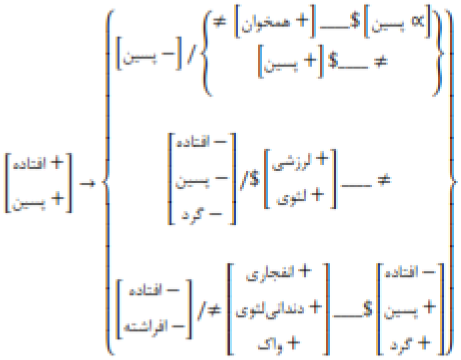
ho.sejn→hy.sen حُسِین←حؤسِن	cob.rɒ→civ.rɒ کُبری←کیورا	ɟo.har→ɟø.har گوهَر←گؤهَر[1]	ros.tam→røs.tam رُستَم←رؤستَم
ɢom.ri→ɢum.re قُمری←قومرِ	moh.ta.ram→mu.ta.ram مُحتَرَم←موتَرَم	sar.ɟol→sar.ɟyl سَرگُل←سَرگؤل	dor.di→dyr.de دُردی←دؤردِ
ro.ɢaj.je→ru.ʁej رُقَیّه←روغِی	dor.nɒ→dur.na دُرنا←دورنَ	bol.bol→bul.bul بُلبُل←بولبول	ɢo.lɒm→ɢu.lɒm غُلام←غولام
mos.lem→mus.lem مُسلِم←موسلِم	ɢon.tʃe→ɢun.tʃa غُنچه←غونچَ	soʁ.rɒ→suʁ.rɒ صُغری←صوغرا	so.maj.je→su.mej.ja سُمَیّه←سومِیّ
mo.rɒd→mu.rɒd مُراد←موراد	so.raj.jɒ→su.ri ثُرَیّا←ثوری	moχ.tɒr→muχ.tɒr مُختار←موختار	mo.ni.re→mu.ni مُنیره←مونی
ɟor.dʒi→ɟur.dʒe گُرجی←گورجِ	mor.te.zɒ→mur.tez مُرتِضی←مورتِض	ɟo.lɒ.ba.tun→ɟu.lɒ.vɒ.ten گُلابَتون←گولاواتِن	co.cab→cu.cɒv کوکَب←کوکاو
mos.ta.fɒ→mus.ta.fɒ مُصطَفی←موصطَفا	noɢ.re→nuʁ.rɒ نُقره←نوغرَ	mo.saj.jeb→mu.sej.jeb مُصَیِّب←موصِیِّب	modʒ.ta.bɒ→muʃ.ta.vɒ مُجتَبی←موشتَوا

الگوی (٤١) انواع مختلف پیشین‌شدگی و افراشتگی واکه [o] را نشان می‌دهند. پیشین‌شدگی مذکور در *محمد*، *زلیخا*، *رستم*، *گوهر* و *حسین*، از *نوع* همگونی پسرو و در *بُرزو*، *ربابه*، *سلطان*، سلیمان، *کبری و کلثوم* از نوع ناهمگونی پسرو می‌باشد. نام‌هایی مانند *کوکب*، *ثریا*، *مسلم* و *مراد* افراشتگی واکه [o] را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه این است که این نوع افراشتگی تنها در هجای اول رخ می‌دهد. در همه نام‌ها این الگوی افراشتگی در نتیجه ناهمگونی پسرو اتفاق افتاده است. احتمالا، یکی از دلایل این ناهمگونی به خاطر محدودیت کاربرد بسیاری از هجاهایی است که در نام‌های معادل فارسی به کار رفته است؛ برای نمونه، در این گونه ترکی هجای اول با زنجیره‌های [moh]، [ɢom]، [bol]، [dor]، [mos] به کار نمی‌رود و در تمامی موارد واکه گرد، پسین، نیمه‌افراشته تبدیل به واکه گرد، پسین، افراشته می‌شود.[2]

٤-٢-٢-٥. تبدیل واکه افتاده، پسین، غیرگرد [ɒ]

۱- در این پژوهش از نویسه «ؤ» برای نمایش صدای [Ø] استفاده شده است.

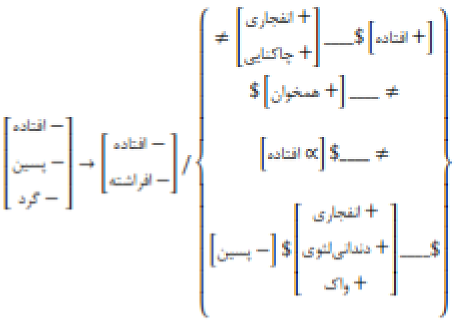
۲- این فرایند در بسیاری از واژه‌های فارسی دخیل غیرنام هم دیده می‌شود: مُستند [mus.ta.nad]



جدول ۲٦- نمونه‌های تبدیل واکه افتاده، پسین، غیرگرد [ɒ]			
sa.fu.rɒ→sa.fu.ra صَفورا←صَفورَ	dor.nɒ→dur.na دُرنا←دورنَ	ʔɒ.ʃur→ʔa.ʃir عاشور←عَشیر	rɒ.zi.je→ra.zi راضیه←رَضی
	tɒ.vus→to.ves طاووس←طُوِس	zah.rɒ→za.ri زَهرا←زَری	sɒrɒ→sɒra سارا←سارَ

الگوی (٤٢) فرایندهای پیشین‌شدگی، افراشتگی یا نیمه‌افراشتگی واکه [ɒ] را نمایش می‌دهد. در *راضیه* واکه [ɒ] تحت تأثیر [i] در جزء دوم به واکه [a] تبدیل شده است که از انواع همگونی واکه است. در *سارا* نیز همگونی با واکه قبل رخ داده است. در *دُرنا*، *عاشور* و *صَفورا* واکه [ɒ] تحت تأثیر واکه [u] ناهمگون شده و به [a] تبدیل شده است. در *زهرا* واکه پایانی هجای آخر افراشته و پیشین شده است. در *طاووس* فرایند افراشتگی [ɒ] در اثر همگونی با واکه بعد از خود را شاهد هستیم.

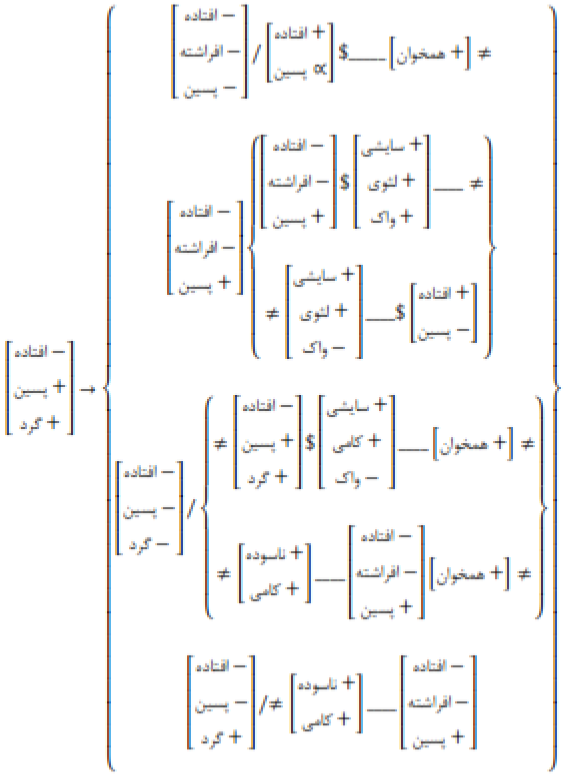
۵-۲-۲-۵. تبدیل واکه افراشته، پیشین، غیرگرد [i]



جدول ۲۷- نمونه‌های تبدیل واکه افراشته، پیشین، غیرگرد [i]			
ʔi.radʒ→ʔe.radʒ ایرَج←اِرَج	ʔi.rɒn→ʔe.rɒn ایران←اِران	ʔed.ris→ʔid.res اِدریس←ایدرِس	ʔa.li→ʔa.le عَلی←عَلِ
va.li→va.le وَلی←وَلِ	lej.li→lej.le لِیلی←لِیلِ	ɟor.dʒi→ɟur.dʒe گُرجی←گورجِ	dor.di→dyr.de دُردی←دؤردِ
tel.li→tel.le تِلّی←تِلِّ	ɢom.ri→ɢum.re قُمری←قومرِ	ta.ɢi→ta.ɢe تَقی←تَقِ	ʃam.si→ʃam.se شَمسی←شَمسِ
ca.rim→ca.rem کَریم←کَرِم	sed.di.ɢe→sa.de.ʁa صِدّیقه←صَدِغَ	ha.di.ɢe→ha.de.ʁa حَدیقه←حَدِغَ	ra.him→ra.jem رَحیم←رَیِم
sa.lɒ.tin→sa.lɒ.ten سَلاطین←سَلاطِن	ʃi.rin→ʃi.ren شیرین←شیرِن		

در الگوی (۴۳) واکه افراشته [i] تحت تأثیر واکه‌های نیمه‌افراشته یا افتاده مجاور، نیمه‌افراشته شده و در این مشخصه با واکه‌های مجاور همگون شده است. بر این اساس، در نمونه‌های *کریم*، *صدیقه*، *رحیم*، *حدیقه*، *سلاطین*، *علی*، *ولی*، *تقی* و *ایرج*، واکه [i] تحت تأثیر واکه افتاده [a] به واکه نیمه‌افراشته [e] تبدیل شده است. شایان ذکر است که ترکیب برخی نام‌ها با القاب دیگر تغییراتی در صورت واجی آنها ایجاد می‌کند. برای نمونه، *علی* زمانی که با عنوان *حاج* به کار می‌رود فرایند نیمه‌افراشتگی را نمایش می‌دهد: [hɒdʒ.a.le]؛ اما زمانی که با عنوان *خان* به عنوان جزء اول به کار می‌رود بدون تغییر می‌ماند: [ʔa.li.χɒn]. در *دُردی* واکه [i] با واکه افراشته [y] همگون و در *شیرین* با واکه افراشته [i] ناهمگون شده است. در *لیلی* واکه هجای دوم با واکه هجای اول همگون شده است. در *قمری* جهت همگونی با [u] و در *ایرج* جهت همگونی با [a] پدیده نیمه‌افراشتگی واکه افراشته [i] رخ داده است.

۶-۲-۲-۵. تبدیل واکه افراشته، پسین، گرد [u]



جدول ۲۸- نمونه‌های تبدیل واکه افراشته، پسین، گرد [u]

ɟo.lɒ.ba.tun→ɟu.lɒ.vɒ.ten گُلابَتون←گولاواتِن	tɒ.vus→to.ves طاووس←طُوِس	col.sum→ɟyl.sem کُلثوم←کؤلثِم	ʔaj.jub→ʔej.jeb اَیّوب←اِیِّب
ju.sof→ʔi.sef یوسُف←ایسِف	ʔɒ.ʃur→ʔa.ʃir عاشور←عَشیر	su.san→so.san سوسَن←سُسَن	bor.zu→ber.zo بُرزو←بِرزُ
			ju.sof→ʔy.sef یوسُف←ؤسِف

الگوی (٤٤) به تبدیل واکه [u] اختصاص دارد که نمایشگر فرایندهای پیشین‌شدگی و افتادگی این واکه است. در *ایوب* همگونی کامل در مشخصه‌های پیشین و نیمه‌افراشتگی مشاهده می‌شود که بر آن اساس واکه [u] که پسین و افراشته است، تحت تأثیر واکه پیشین و نیمه‌افراشته [e] در هجای قبل، به طور کامل همگون می‌شود. در *کلثوم* ابتدا پیشین‌شدگی واکه [o] به [y] رخ داده است و در اثر این تغییر واکه [u] در هجای دوم در مشخصه پیشین با [y] همگون شده است. در *طاووس* نیز ابتدا نیمه‌افراشتگی واکه هجای اول را داریم و در پی آن پیشین‌شدگی و نیمه‌افراشته‌شدگی واکه هجای دوم را مشاهده می‌کنیم. از آنجاکه واژه‌های

بسیط غیر تک‌هجایی با پایانه [Cu] در این گونه ترکی مجاز نیستند، واکه [u] در انتهای *بُرزو* تحت تأثیر واکه [e] نیمه‌افراشته شده است. در *سوسن* نیز واکه هجای اول تحت تأثیر واکه هجای دوم نیمه‌افتاده شده است.

۳-۵. قلب

آخرین الگوی تغییر واجی در بومی‌سازی نام‌های تک‌جزئی در گونه ترکی اسفیدانی فرایند قلب است که تنها در نام مریم مشاهده شده است. همان‌طور که در الگوی زیر مشاهده می‌شود دو آوای [j] و [r] جابه‌جا شده‌اند.

$$\begin{bmatrix} +\text{لرزشی} \\ +\text{لثوی} \\ 1 \end{bmatrix} \$ \begin{bmatrix} +\text{ناسوده} \\ +\text{کامی} \\ 2 \end{bmatrix} \rightarrow 2 \quad 1$$

جدول ۲۹- نمونه قلب [j] و [r]
mar.jam→maj.ram مَریَم←مَیرَم

بحث و بررسی

بسیاری از فرایندهای شناسایی شده در الگوهای بومی‌سازی نام‌ها در این پژوهش، در دیگر پژوهش‌ها نیز مشاهده شده‌اند. برای نمونه، محمودی (۱۳۸٤) در پژوهش خود بر روی گونه ترکی تبریزی، فرایند نرم‌شدگی همخوان انفجاری [ɟ] در الگوی (۳۲) را در واژه‌های *اگر*، *مگر*، *لگن*، *جگر* و *زگیل*؛ فرایند نرم‌شدگی در اثر همگونی پیشرو در الگوی (۳٦) را در جایگاه پایان هجای آخر در واژه‌های *نرگس*، *طاووس* و *خروس*؛ فرایند افتادگی واکه هجای پایانی در اثر همگونی با واکه قبل خود را در واژه *لاله*؛ و فرایند افراشتگی واکه [e] در هجای آغازی یا پایانی را در واژه‌های *سِر*، *جِن*، *حرص* و در هجای اول واژه‌های *ملل*، *رشته*، *صفت*، *تکه*، *کشمش* و *طلسم* گزارش کرده است. این نکته نشان می‌دهد که این نوع فرایندها نقش مهمی در بومی‌سازی صورت‌های قرضی و شکل‌دهی نظام‌های مختلف واجی ایفا می‌کنند.

همچنانکه در بخش تحلیل داده‌ها مشاهده شد، کوتاه‌سازی نام‌ها که در نتیجه حذف یکباره چند آوا، یک هجای کامل و یا تمام هجاهای غیرآغازی صورت می‌گیرد از فرایندهای رایج در بومی‌سازی نام‌ها در گونه ترکی مورد پژوهش به شمار می‌رود. در کوتاه‌سازی نام‌ها یا

ساختمان باقی مانده نـام، بـدون تغییـر مـی‌مانـد (بـرای نمونـه، الگوهـای ۱۱، ۱۲ و ۱٤) و یـا دستخوش تغییر می‌شوند (برای نمونه، الگوهای ۱۰، ۱۳ و ۱۵). در نام‌هایی که به چند صـورت به کار می‌روند (مثل *فاطمه*، ربابه، *سکینه*)، کاربرد صورت‌های مختلف وجوه کاربردشناختی به خود گرفته‌اند. برای نمونه، نام‌هایی که بعد از حذف هجاهای غیرآغازی بـه انتهـای آنهـا آوای [o] اضافه می‌شود در اغلب بافت‌ها می‌تواند (اندکی) اهانت‌آمیز و تحقیرکننـده باشـد. بـر ایـن اساس، در روابط ادب منفی (براون و لوینسون، ۱۹۸۷) نام *اسماعیل* به صـورت [ʔis.mɒ.jel] و در روابط ادب مثبت به صورت [ʔis.mo] به کار می‌رود. همین داستان برای نام‌هایی که بعد از حذف هجاهای غیرآغازی به زنجیره [ej] منتهی می‌شوند صادق است. این نام‌ها نیز هماننـد کاربرد [CV.Co] دارای بار کاربردشناختی هستند که یـا در روابـط بسـیار صـمیمی بـا هـدف تحبیب و یا در روابط غیرصمیمی با هدف تحقیر به کار می‌روند. سومین الگـوی کوتـاه‌سـازی نام‌ها حذف هجا(های) غیرآغازی و اضافه کردن واکه [i] به انتهای بخش باقی مانده مـی‌باشـد. بر این اساس، *محمد* به [ma.mi] تبدیل می‌شود. این فرمول نیز همانند دو فرمـول [CV.Co] و [CV.Cej] دارای وجه کاربردشناختی است و در موقعیت‌های صـمیمی یـا اهانـت بـه کـار می‌رود.

بر اساس داده‌ها، در این گونه ترکی، زنجیره پایان هجایی [Ce] غیرمجاز است. بـرای رفـع این محدودیت سه راهبرد پیش رو گرفته می‌شود. اولین راهبرد حـذف زنجیـره مـذکور اسـت. این راهبرد در نام‌های *رقیه*، *مدینه*، *ملیحه*، الهه، *مرضیه*، *انسیه*، *راضیه* و *آسیه* به کار گرفته شـده است. در این نام‌ها،هجای آخر حذف می‌شود و بقیه هجاها گاهی بدون تغییر (مانند *مرضیه* بـه صورت [mar.zi]) و گاهی با اندکی تغییر (مانند *رقیه* به صورت [ru.ʁej]) تلفظ می‌شـوند. بـا اتخاذ این راهبرد، نام‌های سه‌هجایی به دو هجا تقلیل می‌یابند که در راستای افزایش کم‌کوشـی و افزایش سرعت گفتار می‌باشد. راهبرد دوم، تبدیل واکه [e] انتهای هجا به [a] می‌باشد که در همه نام‌های منتهی به هجای [Ce] به عنوان گزینه دیگر به طور همزمان وجـود دارد و تمـامی این نام‌ها به صورت واکه انتهایی [a] نیز تلفظ می‌شوند. بر این اساس، علاوه بر نام‌هـای فـوق نام‌های *فیروزه*، *حلیمه*، حبیبه، مهدیه، *غنچـه*، *پروانـه*، *سـتاره*، *سـپیده*، *محدثـه*، *نقـره*، حکیمـه، صدیقه، *سکینه*، الهه، منیره، *حدیقه* و *زهره* نیز به صورت [Ca] تلفظ می‌شوند. آخرین راهبـرد، حذف واکه انتهایی [e] می‌باشد. اعضای این دسـته از نـام‌هـا شـامل *جمیلـه*، *معصـومه*، *طیبـه*،

محبوبه، طاهره، سمیه، راحله، خدیجه، و ریحانه می‌باشد. نتیجه این راهبرد تبدیل نام‌های سه هجایی به دو هجایی و همچنین آرایش جدید هجایی در این نام‌هاست. برای نمونه، *منیره* که دارای سه هجای [mo.ni.re] می‌باشد به دو هجای [mo.nir] تبدیل می‌شود که در این تغییر، هجای پایانی دو واجی [CV] به [CVC] تبدیل شده است. همانطور که گفته شد، تمامی این نام‌ها به صورت راهبرد دوم (تبدیل [e] به [a]) نیز به کار می‌روند. هیچ یک از نام‌های فوق با هر سه راهبرد به کار نمی‌روند، اما بسیاری از آنها علاوه بر راهبرد دوم، به صورت راهبرد اول یا سوم نیز به کار می‌روند. به نظر می‌آید انتخاب یک راهبرد یا راهبرد دیگر به عوامل کاربردشناختی مربوط باشد. همچنانکه ندیم (۱۳۸٤) به کارکردهای خُرد اجتماعی مانند ایجاد صمیمت، شادی و تحقیر به عنوان عوامل کاربردشناختی کاربرد یا عدم کاربرد یک صورت اشاره می‌کند، آنچه از مشاهده پژوهشگر در طول سالها تجربه در محیط این زبان به دست آمده این است که راهبرد دوم اغلب فضایی کمترآشنا و کمترصمیمی را می‌طلبد. هرچند شاخص صمیمت در روستا و شهر متفاوت است؛ به طوری که فاصله صمیمی و غیرصمیمی در شهر بسیار بیشتر از صمیمی و غیرصمیمی روستایی است. با درنظر گرفتن این نکته می‌توان ادعا کرد که راهبرد دوم برای کسانی به کار می‌رود که کمتر می‌شناسیم و یا از نظر سن یا جایگاه اجتماعی فاصله‌ای با سخنگو دارند. بنابراین، به عنوان نمونه، اگر نام بستگان نزدیک یک فرد *خدیجه* باشد در محیط‌های صمیمی (خانه و غیره) می‌توان وی را [χa.didʒ] و در محیط‌های کمترصمیمی [χa.di.dʒa] بخواند. در این بین، صورت [χa.dʒej] هم وجود دارد و معمولا زمانی به کار می‌رود که مخاطب سن کمتری داشته باشد. شایان ذکر است که ترکیب نام‌ها با القاب و نسبت‌ها تغییراتی در شاخص صمیمت می‌دهند. برای نمونه، همین نام *خدیجه* اگر به همراه واژه‌های [χa.lej] (خاله)، [bu.du] (زن‌عمو، زن‌دایی، و زن‌های دیگری که مطمئن نیستیم چه نسبتی دارند) و [ʔa.mej] یا [ʔa.mo] (عمه) بیاید، به راحتی می‌توانیم حتی با فاصله کمتر صمیمیت از صورت [χa.didʒ] نیز استفاده کنیم و وی را به صورت‌های [χa.didʒ χa.lej]، [χa.didʒ bu.du] و یا [χa.didʒ a.mej] بخوانیم.

همانطور که نوستروم[1] (۲۰۱٦) اشاره می‌کند نام‌ها دارای معانی ضمنی (شامل معانی متداعی و عاطفی) می‌توانند باشند. وی نام *آدولف* را به عنوان نمونه نام می‌برد که بعد از

1- Nyström

گذشت حدود ۷۰ سال از جنگ جهانی دوم، به دلیل بار منفی تحت تأثیر فرمانروایی آدولف هیتلر، هنوز هم در کشور سودان تنها هر از گاهی این نام بر روی کودکان گذاشته می‌شود. رنگ و بوی مذهبی نام‌ها نیز جزء معانی ضمنی آنها به شمار می‌آیند. یکی از نکات کاربردشناختی مرتبط با تغییرات واجی نام‌های کوچک در گونه مورد پژوهش این است که هویت مقدس نام‌های مذهبی با تغییر واجی کم‌رنگ‌تر می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، هنگامی که نامی مانند *محمد* به صورت [mam.mad] تلفظ می‌شود، ارتباط بالقوه این نام با صورت اصلی خود بسیار کم‌رنگ‌تر می‌شود؛ این بدان معناست که تفاوت آوایی صورت [mam.mad] با صورت [mo.ham.mad] فضای مذهبی کمتری را به تصویر می‌کشد. این نکته در مراسم مذهبی به وضوح قابل مشاهده است. برای نمونه، زمانی که یک روحانی یا مداح در سخنرانی خود در یک جلسه مذهبی، به نام پیامبر اکرم (ص) می‌رسد، آن را نه به صورت [mam.mad]، [ma.mi] یا [mam.maj]، بلکه به صورت [mo.ħam.mad] تلفظ می‌کند. این بدان معنا است که آوای [h] به صورت حلقی تلفظ می‌شود تا هرچه بیشتر تداعی‌گر فضای عربی و قرآنی باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تغییرات واجی نام‌های کوچک قرضی تک‌جزئی را در گونه ترکی اسفیدانی مورد بررسی قرار دادیم. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که وقوع برخی فرایندها به طور برجسته بیشتر بودند. از سوی دیگر، می‌توان الگوهایی را برای تغییرات مشاهده شده درنظر گرفت که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

بر اساس داده‌ها سه فرایند نرم‌شدگی (۴۲.۶٪)، افتادگی (۲۴.۶٪) و افراشتگی (۱۸.۷٪) به ترتیب از پربسامدترین انواع فرایندهای واجی به کار گرفته شده در بومی‌سازی نام‌ها هستند. فرایند نرم‌شدگی اساسا مرتبط با همخوان‌ها و دو فرایند دیگر مرتبط با واکه‌ها است. با توجه به اینکه یکی از پربسامدترین انواع نرم‌شدگی در داده‌ها حذف یک آوا یا یک زنجیره واجی است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که گرایش شدید این گونه ترکی به کوتاه‌سازی نام‌ها و کاهش تعداد هجاها از طریق دو ابزار بالا انجام می‌گیرد: از یک سو، با حذف آوا که گونه‌ای از نرم‌شدگی است، تعداد هجاها کاسته می‌شود و از سوی دیگر، با تغییر کیفیت واکه‌ها از طریق افتادگی یا افراشتگی ساختمان هجا(های) باقی مانده با الگوهای هجایی مجاز این گونه ترکی

همسو می‌شود. در پژوهش ایزانلو (۱۳۹۸) فرایندهای نـرم‌شـدگی، نیمـه‌افراشـتگی، افتـادگی و پیشین‌شدگی به عنوان پربسامدترین فرایندها شناسایی شده‌اند که در فراینـدهای نـرم‌شـدگی و افتادگی با پژوهش حاضر همسو است. با توجـه بـه اینکـه فراینـدهای مـذکور (بـه خصـوص نرم‌شدگی) اغلب باعث افزایش رسایی در صورت‌های برونداد نسبت به صورت‌هـای درونـداد می‌شود، به نظر می‌آید ارتباطی معنادار میان بسامد بالای این نـوع فراینـدها و شـیوه زنـدگی و ارتباطی در روستا وجود داشته باشد که به عنوان یک سؤال پژوهشی قابل بررسی است.

این پژوهش در کنار توصیف الگوهای واجی بومی‌سازی نام‌های قرضی تک‌جزئی در گونـه ترکی اسفیدانی، تلاش داشته است تا برهمکنش و تأثیر دو سطح واجی و کاربردشـناختی را در یک گونه زبانی اقلیت مورد نظر قرار دهـد و از ایـن رو، داده‌هـای پـژوهش نمایشـگر ارتبـاط تنگاتنگ دو سطح مذکور می‌باشد. در این راستا، یافته‌ها نشان می‌دهـد کـه چگونـه یـک نظـام زبانی در راستای نیازهای واجی و کاربردشناختی خود، تغییراتی را در صورت‌هـای زبـانی (در اینجا، نام‌ها) می‌دهد. داده‌ها و یافته‌های پژوهش، همچنین، از جنبه نظری، امکان مقایسه دیگـر گونه‌های زبانی با گونه مورد تحلیل در این مقاله را فراهم می‌آورد. پژوهش‌های آتی با بررسـی الگوهای بومی‌سازی نام‌ها یا دیگر صورت‌هـای زبـانی، در دیگـر گونـه‌هـای زبـانی، فهرسـت مجموعه کارکردها و یا انگیزه‌های تغییرات انجام گرفته را تکمیل خواهند نمود.

کتابنامه

۱. احمدخانی، محمدرضا؛ رشیدیان، دیانا. (۱۳۹۵). **بومی‌سازی واجی و صـرفی وام‌واژه‌هـا در زبان ترکی آذربایجانی**. *زبان‌شناخت*، سال هفتم، شماره ۱. ۱۵-۱.

۲. ایزانلو، علی. (۱٤۰۰). ***فرهنگ لغت گونه ترکی اسفیدانی***. چاپ نشده.

۳. ایزانلو، علی. (۱۳۹۸). کارکرد ارتباطی تغییرات آوایی نام‌های کوچک قرضـی دوجزئـی در گونه ترکی اسفیدانی. ***مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان***، سـال یـازدهم، شـماره ۱. ۲٦۱-۲۸٤.

٤. بخشوده، ابراهیم. (۱۳۷۹). ***فرهنگ نامگذاری***. تهران: انتشارات محقق.

٥. ثمره، یدالله. (۱۳۸٥). ***آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)***. چـاپ دهـم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۶. جم، بشیر. (۱۳۹۶). تحلیل استثناءها و گوناگونی آزاد در فرایند افراشتگی پیش‌خیشومی در چارچوب نظریه بهینگی. ***پژوهش‌های زبانی***، دوره هفتم، شماره ۲. ۳۸-۱۹.

۷. حاجی‌زاده، محمد. (۱۳۷۹). ***فرهنگ جامع نام‌ها***. تهران: دریچه.

۸. حامدی شیروان؛ پهلوان‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی و توصیف فرایندهای واجی در گویش ترکی شیروان. ***دومین همایش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور***. تهران.

۹. رضی‌نژاد، سیدمحمد. (۱۳۹۳). فرایند درج واکه در خوشه‌های همخوانی پایانی در زبان ترکی آذربایجانی. ***فصلنامه زبان و مطالعات گویش‌های غرب ایران***، سال دوم، شماره ۷. ۹۳-۸۱.

۱۰. زمانی، محمد؛ بدخشان، ابراهیم. (۱۳۹۵). تحلیل و توصیف فرایند نرم‌شدگی در زبان کردی (گویش کلهری). ***فصلنامه زبان‌پژوهی***، سال هشتم، شماره ۱۹. ۱۰۱-۸۹.

۱۱. زندی، بهمن و میرمکری، منیژه. (۱۳۹۶). روند نامگذاری فرزندان در شهر مهاباد از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی. ***فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران***، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۸-۱.

۱۲. شاه‌ناصری، شادی. (۱۳۹۶). بررسی تناوب‌های جدید در نامگذاری کودکان ایرانی بر اساس رویکرد نشانه‌ای. ***نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی***، سال هفتم، شماره ۱۳، ۲۱۲-۲۰۱.

۱۳. قلی‌زاده مرزجی، جلال. (۱۳۹۰). ***آشنایی با زبان ترکی خراسانی***. مشهد: انتشارات دامینه.

۱۴. کردزعفرانلو کامبوزیان، عالیه و رضویان، سید حسین. (۱۳۸٤). برخی از فرایندهای واجی در ترکی بیجار. ***زبان و زبان‌شناسی***، دوره اول شماره ۲، ۱۰٤-۸۹.

۱۵. کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیه و رنگین‌کمان، فرانک. (۱۳۸۸). بررسی واج‌شناختی زبان ترکی گونه زنجان. ***مجله علم و فناوری***. جلد هشتم، شماره ۱ و ۲، ۷۰-۵۸.

۱٦. محمودی، بتول. (۱۳۸٤). تغییرات تلفظی واژگان فارسی هنگام استفاده در گفتار رسمی زبان نوشتاری ترک‌زبانان تبریز. ***زبان و زبان‌شناسی***، دوره اول، شماره ۲، ۱۹-۱.

۱۷. مشکوه الدینی، مهدی. (۱۳۷۷). ***ساخت آوایی زبان***. چاپ چهارم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۸. منصف، ماهرخ؛ کرد زعفرانلو کامبوزیان، عالیه. (۱۳۹٤). برخی از فرایندهای واجی در ترکی قشقایی. ***فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین***، شماره ۱۰، ۱۲۸–۱۰۵.

۱۹. منصوری، مهرزاد. (۱۳۸۹). تحلیل بسامدی هجا در اسامی زنان و مردان ایرانی. ***پژوهش‌های زبان‌شناسی***. دانشگاه اصفهان. اصفهان.

۲۰. ندیم، مصطفی. (۱۳۸٤). نظام نام‌گذاری غیررسمی عامه در میان جزیره‌نشینان قشم. ***نامه انسان‌شناسی***، سال چهارم، شماره ۷، ۱٦۰–۱٤۷.

۲۱. نقش‌بندی، شهرام؛ راه‌انداز، سعید. (۱۳۹۱). تعیین هویت واجی چهار همخوان گرفته در ترکی آذری (گونه‌های تبریزی و گوگانی ترکی). ***زبان و زبان‌شناسی***. دوره هشتم، شماره ۱٦، ۱۳٦–۱۱۵.

۲۲. هیئت، جواد. (۱۳۸۰). ***تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی***. تهران: نشر نو.

23. Al-Hashemi, Sh. (2016). ***The phonetics and phonology of Arabic loanwords in Turkish: residual effects of gutturals***. Unpublished PhD. Dissertation. University of York. England.
24. Bale, A. and Reiss, Ch. (2018). ***Phonology: A formal introduction***. MIT Press
25. Brown, P. and Levinson, S. C. (1987). ***Politeness: Some universals in language usage***. Cambridge: Cambridge University Press.
26. Gurevich, N. (2011). Lenition. In Marc van Oostendorp, Colin J. Ewen, Elizabeth Hume, and Keren Rice (eds.), ***the Blackwell companion to phonology vol. 3: phonological processes***, 1559-1576. John Wiley & Sons, Ltd.
27. Kenstowicz, M. (1994). **Phonology in Generative Grammar**. Oxford: Blackwell.
28. Miao, R. (2005). ***Loanword adaptations in Mandarin Chinese: Perceptual, phonological and sociolinguistic factors***. Unpublished PhD. Dissertation. Stony Brook University, New York.
29. Nour Abu Guba, M. (2016). ***Phonological adaptation of English Loanwords in Ammani Arabic***. Unpublished PhD. Dissertation. University of Salford, United Kingdom.
30. Nyström, S. (2016). Names and meaning. In Carole Hough (ed.), ***the Oxford handbook of names and naming***, 39-51. Oxford: Oxford University Press.
31. Sultanzade, V. (2013). Phonetic adaptations of loanwords in Cypriot Turkish. ***Dialectologia et Geolinguistica***, 21, 70-81.
32. Warner, N. (2011). Reduction. In Marc van Oostendorp, Colin J. Ewen, Elizabeth Hume, and Keren Rice (eds.), ***the Blackwell companion to***

phonology vol. 3: phonological processes, 1866-1892. John Wiley & Sons, Ltd.

33. Yavaş, M. (1978). Borrowing and its implications for Turkish phonology. University of Kansas. ***Linguistics Graduate Student Association***, 3(34), pp. 34-44.
34. Yavuz, H., & Balçı, A. (2011). ***Turkish phonology and morphology (Tűrkçe ses ve biçim bilgisi***. Anadolu: Anadolu University Press.

Phonological adaptations of single-part loan names in Esfidani Turkish

Ali Izanloo[1]
Assistant professor of linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 11/11/2021 Accepted: 14/06/2022

Abstract

One of the characteristics in each language (or, more precisely, the speakers of each language) is that it changes the loan words and names, so as to both assimilate them into its phonological system to be pronounced and give them the vernacular taste and color in accordance with its specific characteristics. In the meantime, proper names come from areas where they are not translated and borrowed between languages. The present study investigated the phonological changes of single-part first loan names in the endangered species of Esfidani (village in Bojnourd) Turkish. To this end, modified loan names were first collected from among the villagers' names. Each of them was then compared with their form in standard Farsi language and the phonological processes performed were identified and classified. Subsequently, the phonological or pragmatic motives of each name were discussed. The phonological processes of deleting vowels, consonants or a chain, lenition, raising and fronting were the most prominent types of processes in the localization of data. The findings showed that there exist various motivations behind these changes: some of them were due to the assimilation into the Turkish phonemic system and some had pragmatic reasons.

Keywords: Esfidani Turkish, single-part first name, phonological process

1- aliizanloo@um.ac.ir